

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۱۸

شنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۳، ۱ مارس ۲۰۲۴

رانندگی در شب تیره با چراغ خاموش

کیوان جاوید

میثم لطیفی، رئیس سازمان امور اداری و استخدامی در دولت سیزدهم، در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱، اعلام کرده بود: "هر روز تعطیلی در کشور ۲ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان هزینه برای دولت در بردارد و باتوجه‌به اینکه ۴۰ درصد کارمندان در آموزش و پرورش هستند سهم این وزارتخانه از تعطیلی مدارس حدود هزار میلیارد تومان است."

بر اساس یافته‌های یک گزارش از سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی، عدم‌نفع صنایع مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی، ناشی از قطعی برق در سال جاری تا ۴۴/۷ هزار میلیارد تومان ارزیابی شد. نتیجه اینکه برای هر روز تعطیلی در اقتصاد جمهوری اسلامی ۲۸۳ میلیون دلار است.

این آمار و ارقام تنها نوک کوه یخی است که خبر از فلج، یا بهتر است گفته شود فاجعه اقتصادی حاکم بر اقتصاد جمهوری اسلامی می‌دهد. این وضعیت رژیم درست شبیه به رانندگی با چراغ خاموش در جاده کوهستانی با شیب تند با یک ماشین بی‌ترمز با لاستیک‌های سائیده شده است. قطعاً به مقصد رسیدن سرنشینان چنین وسیله نقلیه‌ای دور از انتظار است.

کارتی در دست رژیم نمانده است. تمام کارت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی یکی پس از دیگر سوخته است و تنها پوسته‌ای از "محور مقاومت" کذایی جمهوری اسلامی در لبنان و عراق باقی‌مانده است که قدرت عرض‌انداز سیاسی - نظامی چندانی ندارند. رژیم اسلامی حتی نمی‌تواند پول فروش نفت را به ایران بازگرداند و منظملاً حلقه محاصره بین‌المللی - سیاسی و اقتصادی - بر رژیم تنگ‌تر می‌شود.

موقعیت بین‌المللی رژیم تابع اتفاقات سیاسی در داخل ایران است. هرچند بحران اقتصادی در چنین ابعادی می‌تواند پایان کار هر حکومتی باشد، اما بررسی موقعیت ده‌ها کشور که درگیر بحران اقتصادی بودند نشان می‌دهد که می‌شود با واردکردن فشار حداکثری بر مردم بار بحران اقتصادی را روی مردم آوار کرد و با گرسنگی دادن و سرکوب‌خشن، جامعه را منکوب کرد و مفری برای گشایش اقتصادی و برونرفت از بحران اقتصادی یافت. این گشایش و تخفیف بحران اقتصادی در شرایطی می‌تواند به نتیجه برسد که درهای وام‌های بین‌المللی از سوی نهادهای مختلف اقتصادی جهان نیز به کمک حکومت بحران‌زده بشتابند. جمهوری اسلامی از این نظر اصلاً حال خوشی ندارد و هیچ دری در جهان به سویش باز نیست.

در جامعه ایران مردم در آستانه یک انقلاب سیاسی علیه جمهوری اسلامی قرار دارند. رژیم

ادامه در صفحه ۱۰



آیا جمهوری اسلامی در پی جنگ با مردم قوی‌تر

شده است؟

گفت‌وگو با محسن ابراهیمی

صفحه ۲

به حزب خود کمک مالی کنید!

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با برنامه پاسخ کانال جدید

صفحه ۶

حقوق بشر، سرمایه‌داری، و ترامپسیسم

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۹

اقتصاد فروپاشیده، بحران بودجه

و اعتراضات مردمی

گفت‌وگو با شهلا دانشفر

صفحه ۱۱

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

دستگیر شدگان دهدشت باید فوراً آزاد شوند!

صفحه ۱۴

بازگشت راست در انتخابات آلمان

مهران مجبی

صفحه ۱۵

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

کمین یک‌ماهه جمع‌آوری ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی!

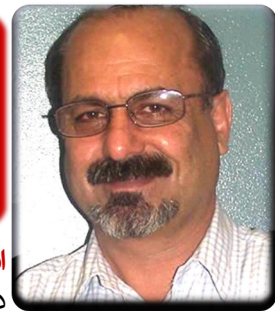
صفحه ۱۶

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۷

آیا جمهوری اسلامی در پی جنگ با مردم قوی‌تر شده است؟

گفت‌وگو با محسن ابراهیمی



پاهایشان انداختند و به آتش کشیدند و دور حجاب‌های به آتش کشیده شده رقص و پایکوبی راه انداختند. نه اداهای فاشیستی با جمعیت‌های کرایه‌ای در دفاع از "احکام نورانی اسلام و ارزش‌ها و مقدسات دینی"، نه گشت ارشاد، نه قانون عفاف و حجاب و بازداشت و زندان، هیچ کدام نتوانست اوضاع را به عقب برگرداند. بی‌حجابی به صورت دوفاکتو به حکومت تحمیل شد. در عرصه حجاب یک قدرت دوگانه برقرار شد. قدرت واقعی زنان و قدرت پوشالی حکومت.

عمامه‌پرانی، تعرض بعدی انقلاب به یکی دیگر از ستون‌های ایدئولوژیک حکومت بود. یک یورش سمبلیک به سمبل‌های شخصی ایدئولوژی حاکم. همان‌ها که حجاب بر سر زنان تحمیل می‌کردند حتی قادر نشدند عمامه‌هایشان را بر سر خود نگه دارند و این از نظر سیاسی بسیار مهم است که چنین اتفاقی زمانی رخ داد که عمامه‌بهرها حکومت می‌کنند. اعتراض عریان آهو دریایی آن‌هم دو سال بعد از انقلاب زن، زندگی، آزادی، بی‌تردید استخوان‌های بنیان‌گذار نظام اسلامی را هم به لرزه درآورده است که زمانی عریده کشید "اسلام نمی‌گذارد که لخت بروند توی این دریاها شنا کنند. پوستشان را می‌کند. پوستشان را مردم می‌کنند." همه این اتفاقات یعنی این که در انقلاب زن، زندگی، آزادی، ایدئولوژی اسلامی، یک رکن مهم حکومت نه تنها در قلب‌ها و مغزها، بلکه در خیابان‌ها هم در هم شکست.

رکن سرکوب: ادامه حیات حکومت اساساً مدیون سرکوب است. آیا خود دستگاه سرکوب موقعیت قبل از انقلاب را دارد؟ مقابله جسورانه جوانان با نیروهایی که به قلب و مغز و چشم معترضین شلیک می‌کردند و صحنه‌های فرار یگان‌های ویژه از مقابل جوانان دست خالی هم به نیروهای سرکوب و هم به معترضین نشان داد که اردوی ترس و وحشت جابه‌جا شده است. آنها که باید بترسانند خود به ترس و وحشت افتاده بودند.

سخنان درز شده به بیرون از جلسه فرماندهان سپاه با علی خامنه‌ای تصویر روشنی از نقش انقلاب در تضعیف روحیه نیروی سرکوب می‌دهد. نمونه‌هایی از این سخنان به اندازه کافی گویا هستند:

"بعضی از سربازان وظیفه یا کادرهای نظامی سپاه، به جای انجام فرامین مافوق، نگاهشان به خیابان بود."

"چطور نیروی تحت امر من در جبهه جمهوری اسلامی علیه کفر و باطل می‌تواند عملی درست و دقیق و... داشته باشد زمانی که همسر، خواهر، برادر یا پدر او در بازداشت خودمان است؟"

"در اراک بیش از پنجاه درصد نیروهای نظامی مسئله‌دار شده‌اند؛ حتی برخی از آنها از نظام عبور کرده‌اند."

"بخشی از نیروها در خارج از شیفت کاری‌شان بین مردم معترض حضور یافته‌اند."

در همین جلسه، سرداران همیشه رجزخوان حتی حیرت خود را از شجاعت و جسارت جوانان ۱۴ تا ۱۸ ساله به‌عنوان کانون اصلی اعتراضات و سختی بازجویی از آنان ابراز می‌کنند.

می‌بینیم که رکن سرکوب حکومت ضربه‌های جانانه‌ای از انقلاب خورده است. طوری که بعد از دو سال، حکومت رزمایش "راهیان قدس" را با هدف "آماده‌سازی برای مقابله با هر گونه

انترناسیونال: مردم در یک جنگ سراسری در سال ۱۴۰۱، با انقلاب زن، زندگی، آزادی حماسه‌ای آفریدند که در دنیا توجه و احترام بسیاری را به خود جلب کرد. آن انقلاب مبارزه شگرف مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود. باین‌همه رژیم تحرک خیابانی مردم را مهار کرد. آیا رژیم از دل آن اوضاع قوی‌تر بیرون آمده است؟ توجه داشته باشیم انقلابی که مردم به دنبال آن به خیابان آمده بودند هنوز به نتیجه نهایی خود یعنی سرنگونی رژیم منجر نشده است.

محسن ابراهیمی: بله درست است. انقلاب بی‌نظیر ۱۴۰۱ به هدف بلافاصله‌اش یعنی سرنگونی حکومت اسلامی نرسید. خامنه‌ای اگر چه درمانده‌تر از همیشه هنوز در بیتش حضور دارد؛ سران حکومت اگر چه در فکر جایی برای فرار هستند؛ اما هنوز دستگیر و محاکمه نشده‌اند؛ ارگان‌های سرکوب اگر چه روحیه باخته؛ اما فعلاً کار می‌کنند؛ نهادهای ایدئولوژیک و اسلامی حکومت اگر چه مورد نفرت و اعتراض مدام مردم هستند؛ اما هنوز بساطشان به طور کامل برچیده نشده است؛ و مردم، اگرچه به تحرک اعتراضی خود در اشکال مختلف ادامه می‌دهند؛ اما هنوز به قدرت نرسیده‌اند و اداره سرنوشت خود را به دست نگرفته‌اند.

حکومت سرنگون نشده است؛ اما بیش از پیش به لبه پرتگاه سقوط نزدیک‌تر شده است. ایران را باید از هر نظر به پیش‌روپس از انقلاب ۱۴۰۱ تقسیم کرد. نه حکومت اسلامی کوچک‌ترین شباهتی به قبل از انقلاب دارد و نه مردم پیش‌روپس از آن انقلاب موقعیت مشابهی دارند.

رژیم اسلامی به شدت تضعیف شده، ضربه‌پذیرتر شده است و هرگز نخواهد توانست از زیر ضربات سنگین سیاسی، روانی، اجتماعی محصول آن انقلاب کمر راست کند.

برعکس، در نتیجه انقلاب زن، زندگی، آزادی مردم بیش از پیش به این باور سیاسی رسیده‌اند که تنها راه نجاتشان سرنگونی تمامیت حکومت اسلامی است و تنها راه سرنگونی هم انقلاب است و مهم‌تر از همه اینکه از نظر مردم انقلاب ممکن است چرا که خودشان دو سال پیش خالقین یک انقلاب باشکوه بودند. هیچ اتفاقی نمی‌تواند این مردم را به موقعیت قبل برگرداند.

انترناسیونال: موقعیت امروز رژیم را نسبت به دو سال پیش چگونه ارزیابی می‌کنید؟

محسن ابراهیمی: رژیم اسلامی ترکیبی از مؤلفه‌های سیاسی، ایدئولوژیک، دستگاه سرکوب، سیاست‌ها و فعالیت‌های منطقه‌ای مثل راه‌انداختن نیروهای نیابتی و محور مقاومت و برنامه اتمی است. این مجموعه با هم، کار می‌کنند. پیچ و مهره‌های ماشین حکومت اسلامی هستند. ستون و سقف و دیوار و در و پنجره کل عمارت اسلامی هستند.

انقلاب زن، زندگی، آزادی همه این پیچ و مهره‌ها و سقف و ستون‌ها را شل کرده است. بعضاً روی ستون‌های اصلی کل این عمارت ترک‌های بزرگ انداخته است. بعضی از این ستون‌ها را تماماً ویران کرده است.

رکن ایدئولوژی: خیلی قبل از انقلاب مهسا/ژینا، خود رسانه‌های حکومتی از "سونامی بی‌دینی در میان جوانان" خبر می‌دادند. در انقلاب زن، زندگی، آن سونامی بی‌دینی در قامت یک جنبش واقعی و توده‌ای به خیابان‌ها سرازیر شد. زنان "سنگر اول" ایدئولوژی حکومتی، سنگر حجاب را فتح کردند؛ پرچم سیاسی حجاب را از بالای سرشان به زیر

آیا جمهوری اسلامی در پی جنگ با مردم قوی تر شده است؟

از صفحه ۲

اسلامی هامبورگ (مسجد آبی) رخ داد و به این ترتیب، تقابل مردم با حکومت در داخل با انزوای حکومت در جهان تکمیل شد.

انتر ناسیونال: موقعیت مبارزه مردم را چگونه می بینید؟ چه مشخصات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی امروز را از دو سال پیش جدا می کند که بشود به این نتیجه رسید شرایط برای سرنگونی رژیم مهیوتر است؟

محسن ابراهیمی: از نظر فرهنگی، شکاف عمیق نسلی میان حکومت و مردم جدید نیست. اما با تحولات در ترکیب سنی جمعیت، آن هم در متن انقلاب انفورماتیک و ارتباطات گسترده اینترنتی با جهان، این شکاف به یک فاکتور مهم در تکرار و تداوم بحران حکومتی تبدیل شد و نهایتاً با انقلاب زن، زندگی، آزادی در یک مقیاس کلان ابراز وجود و قدرت نمایی سیاسی کرد و معلوم شد که راه حل مردم، بخصوص زنان و جوانان برای حل این شکاف نسلی انقلاب است. حجاب سوزان و عمامه پرانی و یورش به سمبل های دینی نمایش قدرت خیابانی این شکاف بود. غول فرهنگی مدرن و پیشرو از شیشه درآمده است و فقط با در هم شکستن هیولای اسلام در قدرت ساکت خواهد شد. هر کلمه و هر جمله و هر استوری ساریناها در شبکه های اجتماعی که همچنان تکثیر می شود شبح سرنگونی را بالای مغز متحجر آیت الله ها به گردش در میاورد.

از نظر سیاسی، همچنان که بالاتر توضیح دادم مردم یکبار انقلاب کرده اند و به چشم خود دیده اند که نه تنها آرزو بلکه قصد سرنگونی در تمام سلول های جامعه در جریان است؛ همبستگی میان خود و برتری روحی صف خود را تجربه کرده اند؛ روحیه باختگی صف حکومت، از چماق داران و چاقو کشان و تفنگ به دستانشان در خیابان تا سرداران و فرماندهان همیشه رجزخوان حکومت را مشاهده کرده اند؛ و در یک جمله برتری و دست بالا داشتن روانی و روحی مردم در مقابل کل حاکمیت، در خوداگاهی مردم تثبیت شده است. جامعه به هیچ عنوان شبیه یک جامعه شکست خورده نیست که مثلاً در افسردگی سیاسی و ناامیدی از تغییر به سر برد. بی دلیل نیست در طول دو سال گذشته، جنبه جوش اعتراضی در جامعه یک لحظه هم قطع نشده است.

از نظر اقتصادی، اقتصاد امروز جمهوری اسلامی حتی شبیه دیروز نیست چه برسد به دو سال پیش. هر روز بیشتر در گل فرومی رود و حکومت اسلامی هیچ برنامه و هیچ راهی و هیچ آمیدی و در نتیجه هیچ اراده ای برای در آمدن از باتلاق اقتصادی ندارد.

چرا؟ مگر تداوم حیات حکومت برای سردمدارانش مهم نیست؟ مگر خودشان منظملاً خطر "شورش گرسنگان" را به همدیگر یادآوری نمی کنند؟ در این صورت، چرا اقدامی برای اقتصاد در گل نشسته نمی کنند؟

برای پاسخ به این سؤال باید روی یک فاکتور بسیار مهم تأکید کرد و آن اینکه در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی، منشأ اصلی همه بحران ها، حتی اقتصاد در بحران، سیاسی است.

جمهوری اسلامی شرکت سهامی چپاول است. سهام داران اصلی این شرکت سرداران سپاه، آیت الله ها، وزرا و وکلا و آقا زاده ها هستند که در یک مناسبات مافیایی، در عین حال که سر همدیگر را کلاه می گذرانند؛ اما با هم ثروت یک جمعیت قریب ۹۰ میلیونی را مدام بالا می کشند. در این اقتصاد دزدسالار، دین سالار و فامیل سالار، مسئله دزدان حاکم اساساً سازماندهی تولید و تجارت حتی به روال نظام های سرمایه داری متعارف هم نیست، بلکه کالایزه کردن ثروت حاصل از فروش نفت و زمین خواری و اختلاس و رانت خواری به سمت جیب های گشادشان در حساب های بانکی این گوشه و آن گوشه دنیا و سرمایه گذاری برای روز مبادا بعد از سرنگونی است. بخشی از این ثروت هم البته خرج نگهداری دستگاه سرکوب برای پاسداری از آن پول ها و حساب ها در مقابل خطر سقوط می شود.

تهدید احتمالی علیه پایتخت " برگزار می کند و فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران بزرگ اعتراف می کند که "متأسفانه بسیاری از دوستان که افتخار حضور در بسیج و سپاه را داشته اند، تا این لحظه یا به علل مختلف عنر خواسته اند و یا هنوز پاسخ قاطع نداده اند. رویه ای که بعد از حوادث سوریه شاهد افزایش آن هستیم."

خامنه ای در سخنان اخیرش به این وضعیت در میان پایه های در حال ریزش نظام اعتراف کرد. علناً گفت امروز مسئله اصلی حکومت "تهدید مهم نرم افزاری" است که به قول خودش یعنی "ایجاد تردید در محکمت انقلاب اسلامی، ایجاد تردید در پایداری در مقابل دشمن."

به اینها اضافه کنید شدت گرفتن شکاف در بالای حکومت و موقعیت درمانده خامنه ای را. سران حکومت که منظملاً خطر غرق شدن کشتی نظام را به همدیگر هشدار می دهند و لابد بیشتر از همیشه در مقابل خطر سرنگونی نیاز به اتحاد دارند، نمی توانند در هیچ عرصه ای، نه در عرصه سیاست داخلی مثل لایحه حجاب و عفاف و نه در عرصه سیاست خارجی مثل مذاکره با آمریکا و برنامه اتمی یک حرف واحد بزنند. آشفتگی و تشتت به یک ویژگی حکومت تبدیل شده است.

و بالاخره، وضعیت خامنه ای آینه تمام نمای وضعیت کل نظام اسلامی است. بیش از چهار دهه مهندسی تبلیغاتی و ایدئولوژیک نظام برای مقدس سازی از چهره خونین خامنه ای به مثابه "رهبر حکیم و فرزانه" در همان چهار روز اول انقلاب دود شد و به هوا رفت. "مرگ بر خامنه ای" همراه با لقب "رهبر الدنگ"، همراه با پوسته های به آتش کشیده شده اش، عملاً خامنه ای را در فضای فکری و روحی حامیانش به عنوان پیش درآمد سقوط نظام به زیر کشید. "سلام فرمانده" با "سلام درمانده" پاسخ گرفت. خامنه ای که قرار بود به نظام قدرت و ابهت بدهد، به سمبل درماندگی نظام تبدیل شده است. میان مردم منفور است. میان دار و دسته اش دیگر "فصل الخطاب" نیست و بی تردید حتی میان متوهم ترین پایه های نظام هم وضع و حال خوبی ندارد!

تا آنجا که به موقعیت جمهوری اسلامی در افکار عمومی خارج از ایران مربوط است، انقلاب زن، زندگی، آزادی، پنجره بزرگی در مقابل چشمان مردم جهان باز کرد تا به چشم خود ببینند که در قرن بیست و یکم در کشور ایران یک آپارتاید جنسیتی تمام عیار برقرار است. معلوم شد که در ایران دو نوع زندگی به موازات هم جریان دارد. زندگی حکام اسلامی و زندگی مردم. معلوم شد که تصویر دول غرب و رسانه ها در باره ایران تماماً کاذب بوده است. معلوم شد که حکومت اسلامی و قوانین ضد زن و خصومت این حکومت با موزیک و موسیقی نه تنها هیچ ربطی به افکار و آرای مردم ایران ندارد بلکه مردم ایران حتی حاضر شده اند به خیابان بیایند، با نیروهای سرکوب به نبرد رودر رو بپردازند تا از تاجر اسلامی رها شوند. معلوم شد که حکومت در ایران به قلب و مغز و چشمان معترضین که به خاطر خواست های بسیار ساده و انسانی به خیابان آمده بودند شلیک کرده است. معلوم شد که سال های متمادی سیاست مداران کشورهای غرب در پوشش دفاع از "نسبیت فرهنگی"، ممانشات خودشان با سران آپارتاید جنسیتی را توجیه می کرده اند. معلوم شد که مساجد و حسینیه ها و مراکز اسلامی و "فرهنگی" حکومت اسلامی در خارج عملاً مراکز جاسوسی و ترور همین حکومت در خارج بوده اند و هستند و در متن چنین تحولی، محکومیت حکام اسلامی به عنوان ناقضین حقوق بشر، ویرانگران انسانیت، جنایت کاران علیه بشریت و قراردادن سپاه در لیست تروریستی، بستن مساجد و مراکز اسلامی وابسته به حکومت اسلامی مثل مسجد

آیا جمهوری اسلامی در پی جنگ با مردم قوی تر شده است؟

از صفحه ۳

یک لحظه فرض کنیم مذاکره و تسلیم در مقابل آمریکا، دست کشیدن از پروژه مسلح شدن به بمب اتم و برنامه‌های موشکی و محور مقاومتی بتواند اقتصاد ورشکسته حکومت را کمی ترمیم کند و در نتیجه آن حکام اسلامی نفت بفروشند و پول کلانی در بیارند و به اصطلاح یک "گشایش اقتصادی" حاصل شود که قطعاً اگر اتفاق بیفتد گشایشی. برای چپاول بیشتر خواهد بود. چرا حکومت به چنین سناریویی تن نمی‌دهد؟ چون حکام اسلامی در باره محاسبه "هزینه فایده" چنین تسلیمی برای بقای حکومت سرگردان هستند. می‌دانند معنای تسلیم در مقابل غرب و مشخصاً آمریکا در میان ته‌مانده هوادارانشان در داخل یعنی ۴۶ سال رجزخوانی باد هوا بوده است و معنایش در میان بازمانده‌های محور مقاومت یعنی "رهبر مسلمین" جهان در مقابل "شیطان بزرگ" بدجوری باخته است.

به نظر می‌رسد خامنه‌ای که امیدی برای رهایی از "بمب اتم" داخلی ندارد، هنوز تصور می‌کند دسترسی به بمب اتم نجاتش خواهد داد! تصور می‌کند قدرت نمایی اتمی در منطقه و جهان، قدرت‌ش در داخل را نجات خواهد داد. چه تصور ابلهانه و احمقانه‌ای!

با این حساب، روشن است که حکومت اسلامی که با مشکل جدی آب و برق و گاز و آلودگی هوا و بی‌کاری و تورم و کاهش شتابان ارزش ریال مواجه است و به شدت نگران است این وضعیت موجودیت سیاسی‌اش را به خطر بیندازد، نه توان، نه ظرفیت، نه اراده و نه قصد پیدا کردن پاسخ به این معضلات را دارد. اداره جامعه مسئله حکومت نیست. رهایی از خطر جامعه مسئله‌اش است. همه اینها یعنی اینکه حکومت در مقایسه با دو سال پیش، هر روز بیشتر از گذشته مردم را به سمت شریطی هل می‌دهد که راهی جز انقلاب و قیام برای ساقط کردن حکومت ندارند.

انترناسیونال: بالاخره رژیم را نهایتاً باید در خیابان شکست داد. نقش اتحاد و همبستگی مردم، نقش تشکل‌ها و نهادها و انجمن‌های متفاوت معطوف به انقلاب، در شکست دادن رژیم چیست؟

محسن ابراهیمی: مردم هم دقیقاً به همین دلیل به خیابان ریختند؛ چون تجربه زندگی و اعتراض در نظام اسلامی نشان داده است که این حکومت را فقط در خیابان، در میدان و در یک رودرویی گسترده، و با شکست دادن تنها اهرم بقای رژیم یعنی نیروهای سرکوب می‌توان به زیر کشید.

همان قدر که تفرقه انداختن میان مردم معترض شگرد شناخته شده طبقات حاکم برای بقای سیاسی است، اتحاد و همبستگی هم رمز قدرتمندتر و مؤثرتر شدن مبارزه مردم برای پایان حیات سیاسی این طبقات و حکومت‌هایشان است. مردم به طرز کم‌سابقه و بسیار هوشیارانه و حیرت‌انگیز در شعارهایشان، در همبستگی عملی و مبارزاتی‌شان در جریان انقلاب زن، زندگی، آزادی نشان دادند که هم به اهمیت حیاتی همبستگی واقف هستند و هم عزم و اراده جدی برای مبارزه متحدانه دارند.

دلیل همبستگی مردم، درد مشترک، آرزوهای مشترک و دشمن مشترک است. مردم درد مشترک دارند؛ چون هیچ بخشی از اکثریت تحت ستم و تبعیض در میان مردم را نمی‌توان پیدا کرد که به یک نحوی از این حکومت زخم‌های عمیق نخورده باشند و به نحوی در معرض آزار و تبعیض و خشونت و ستم و چپاول و جنایت این حکومت قرار نگرفته باشد و به همین اعتبار آرزوی مشترک و انسانی همه این افشار تحت ستم، رهایی از حکومتی است که به‌مثابه دشمن مشترک در مقابل تحقق آرزوها و

رؤیاهای انسانی‌شان قرار گرفته است.

نقش نهادها و تشکل‌ها در شکست دادن نهایی رژیم بسیار مهم است. بی‌دلیل نیست که حکومت اسلامی به همان اندازه حضور مردم در خیابان، از سازمان‌یابی مردم معترض در هر شکل و اندازه هراس دارد. خوب می‌دانند تشکل و خیابان دوقلوی تشکیلاتی و سیاسی خطرناکی هستند.

اما علی‌رغم سببیت حکومت در سرکوب هر گونه تشکل‌یابی، خوشبختانه فعالین عرصه‌های مختلف مبارزه با حکومت توانسته‌اند به اشکال مختلف متشکل شوند. شوراهای سازماندهی و هماهنگی در میان کارگران و باننشستگان، سندیکاها صنفی و مدنی، شبکه‌های متعدد علیه آپارتاید جنسیتی، شبکه‌های متعدد جوانان، نهادها و شبکه‌های فعال برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و علیه اعدام، فعالیت متشکل علیه اعدام حتی در میان خود زندانیان سیاسی، تشکل دادخواهان، تشکل‌های دانشجویی، انواع مختلف نهادهای مدنی و متشکل در دفاع از حقوق کودکان و ده‌ها نهاد و تشکل در عرصه‌های دیگر مقابله با تبعیض و ستم آن‌چنان گسترده است که به کابوس دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی تبدیل شده است تا جایی که هر گونه سازمان‌یابی در هر سطح با اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور" که همان امنیت نظام اسلامی است و بازداشت و زندانی شدن و حتی احکام بسیار سنگین پاسخ می‌گیرد.

بی‌تردید همین تشکل‌ها تا آنجا که به موضوع بلافاصله اعتراض و اهدافشان مربوط است در سازماندهی اعتراضات مختلف در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت با خواست‌های مشخص نقش ایفا کرده‌اند. اما می‌توان گفت همه این تشکل‌ها را یک هدف مشترک به هم پیوند می‌دهد. تغییر وضع موجود و فراتر رفتن از نظام اسلامی. هر چقدر خواست‌های مربوط به اکثریت جامعه در تک‌تک اعتراضات منعکس شود، همان قدر زمینه اعتراضات متحدتر با خواست‌های مشترک فراهم می‌شود. همان قدر قدرت سرکوب رژیم تضعیف می‌شود و همان قدر قدرت و تأثیرگذاری اعتراض بیشتر می‌شود. برای مثال، طنین شعار "آهو دریایی آزاد باید گردد"، "تورم، گرانی، نه به جنگ و ویرانی"، "نه جنگ می‌خواهیم نه کشتار" در تجمع اعتراضی باننشستگان در کرمانشاه و تجمعات دیگر یک نمونه برجسته پیوستن یک اعتراض صنفی به خواست‌های مشترک جامعه وسیع‌تر است.

خواست‌ها و اهداف مشترک در میان اعتراضات و جنبش‌ها و تشکل‌های مربوطه زیاد هستند. برای مثال شعارها و خواست‌های مربوط به اعتراض علیه گرانی و تورم، دزدی و اختلاس، امنیتی کردن فعالیت‌ها، حجاب اجباری، دخالت آخوند و مذهب در زندگی خصوصی و عمومی مردم، دست‌درازی مذهب به محیط آموزشی کودکان و همچنین خواست آموزش و درمان و بهداشت رایگان مدت‌هاست در صف اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه شنیده می‌شود.

نمونه‌های دیگری در جریان انقلاب زن، زندگی، آزادی را شاهد بودیم که نشان از ابراز وجود همبستگی فراتر از اتحاد در مبارزه میدانی بود. از جمله انتشار بیانیه‌ها و منشورها با امضای مشترک، مثل منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران با امضای بیست تشکل، منشور مطالبات پیشرو زنان، بیانیه ده تشکل علیه اعدام و سرکوب توسط فعالین کارگری، باننشستگان، دفاع از حقوق زنان، دادخواهان و پرستاران که جنبش‌های اعتراضی مختلف را نمایندگی می‌کنند. این نوع فعالیت متحدانه هر چقدر در ابعاد وسیع‌تری تکثیر شود همان قدر موقعیت جنبش سرنگونی در مقابل حکومت را قوی‌تر خواهد کرد.

انترناسیونال: به طور ویژه چه ارزیابی‌ای از جایگاه حزب کمونیست کارگری در ارتقای مبارزه و همبسته‌تر کردن جامعه و فعالین دارید؟

آیا جمهوری اسلامی در پی جنگ با مردم قوی تر شده است؟
از صفحه ۴

نبودن خواست‌هاست. برای مثال محدود کردن جنبش‌های اعتراضی در شعارهای کلی مثل آزادی، سکولاریسم، حقوق بشر و سرنگونی بدون اینکه معلوم شود مضمون روشن هر کدام از اینها چیست جا را برای کلاهبرداری سیاسی نیروهای باز می‌گذارد که هدفشان محدود کردن انقلاب مردم در جابه‌جایی مهره‌ها و شخصیت‌هاست. هدفشان حفظ بنیادها و ارکان اصلی نظامی است که مردم علیه به‌پا خاسته‌اند.

یک نقش مهم حزب برای ارتقای مبارزه، تلاش برای متعین کردن اهداف انقلاب مردم، آگاهگری درباره دست‌اندازه‌های سیاسی در مقابل انقلاب و اهمیت کنار زدن آنهاست. برای مثال، در جریان انقلاب زن، زندگی، آزادی، یک مشغله مهم حزب تلاش برای دادن تصویر روشن از سرنگونی نظام اسلامی به مثابه هدف فوری انقلاب و ضرورت درهم شکستن ماشین سرکوب و ارگان‌ها و نهادها و قوانین نظام اسلامی بود.

در "مانیفست حزب برای پیروزی انقلاب زن، زندگی، آزادی"، با شفافیت اقدامات لازم برای سرنگونی همه‌جانبه جمهوری اسلامی که نگذارد قدرت ساقط شده در اشکال و قالب‌های دیگر بازگردد تبیین شده است. اینها فقط گوشه‌هایی از آن اقدامات هستند: انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاه‌ها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرایی و ایدئولوژیک رژیم؛ انحلال فوری کلیه نهادها و نیروهای جاسوسی، امنیتی، سرکوبگر مسلح و شبه مسلح حکومت؛ بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در انقلاب جاری و در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده‌اند و پیگرد بین‌المللی مقامات فراری حکومت؛ ممنوعیت مجازات اعدام؛ پایان دادن به پدیده زندانی سیاسی و عقیدتی؛ لغو حجاب و هر نوع پوشش اجباری مذهبی؛ برابری کامل و بی‌قید و شرط زن و مرد؛ جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضایی و از آموزش و پرورش؛ لغو مذهب رسمی؛ آزادی کامل مذهب و بی‌مذهبی به‌عنوان عقیده و امر خصوصی افراد؛ اعلام و تضمین آزادی بی‌قید و شرط بیان و اندیشه، اعتصاب، اعتراض، تجمع، تشکل و تحزب؛ تأمین رفاه و حرمت و شادی کودکان؛ لغو تبعیض و ستم ملی، قومی و اتنیک؛ برخورداری همگان از آموزش و پرورش و بهداشت و درمان رایگان؛ تأمین فوری مبرم‌ترین نیازهای رفاهی جامعه، تعیین حداقل دستمزد و افزایش دستمزد با دخالت مستقیم نمایندگان تشکل‌های کارگری در مقیاس سراسری.

اینها فقط گوشه‌هایی از اقدامات لازم برای سرنگونی ریشه‌ای جمهوری اسلامی است که گام اول برای استقرار نظامی است که در آن مردم در یک مناسبات مدرن، متمدن، انسانی، بدون تبعیض و نابرابری زندگی کنند. *

محسن ابراهیمی: یک شاخص برجسته حزب کمونیست کارگری این است که یک حزب ایدئولوژیک نیست که وجدان خود را با خط‌کشی‌های فرقه‌ای در حاشیه مبارزه داغ سیاسی راحت نگه دارد. برعکس یک حزب سیاسی است که هم برای تحقق آرمان‌های بلند و تغییرات بنیادی مبارزه می‌کند و هم برای تغییر وضع زندگی مردم همین امروز. هدف پایه‌ای حزب رهایی از نظامی است که در آن اکثریت، برده مزدی یک اقلیت صاحب ثروت و سرمایه است. در استراتژی حزب، رهایی کامل و ماندگار از همه تبعیض‌ها منوط به رهایی از تبعیض بنیادی یعنی بردگی مزدی است. اما همین امروز مبارزه با هر گونه تبعیض و ستم علیه هر بخشی از جامعه بخش جدایی‌ناپذیر از فعالیت‌های روزمره حزب است. به این اعتبار، تلاش و مبارزه مدام برای بهبود معیشت کارگران و افسار تهیدست، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، پایان دادن به شکنجه، اعدام، سنگسار، قتل ناموسی، حجاب اجباری، تبعیض جنسیتی، بی‌حقوقی کودک، بی‌حقوقی پناهجو، ستم بر اساس ملیت و مذهب و عقیده، و هر نوع ستم و تبعیض با هر توجیه و بهانه‌ای مشغله دائم حزب است. این تصویر را می‌توان در مشغله‌های هر روزه اعضا و کادرهای حزب به‌وضوح دید. در یک جمله حزب کارنامه درخشانی در همه این عرصه‌ها دارد.

همچنین برای حزب کمونیست کارگری، همان قدر که حضور فعال در این عرصه‌ها مهم است، همبستگی میدانی و مبارزاتی میان فعالین و پیشروان جنبش‌های مربوط به این قلمروها اهمیت حیاتی دارد. همچنان که بالاتر تأکید شد نظام اسلامی به اندازه کافی زمینه برای اتحاد مبارزاتی و همکاری میدانی فعالین این عرصه‌ها را فراهم کرده است چرا که مبارزه در همه این قلمروها همیشه پای جمهوری اسلامی، یعنی دشمن مشترک را به میان می‌کشد. در یک تصویر بزرگ‌تر پیشروی و پیروزی در همه این عرصه در گرو رهایی از نظام اسلامی است.

همین‌جا باید تأکید کرد که به همان اندازه که تلاش برای اتحاد و همبستگی در میان فعالین جنبش‌هایی که برای عدالت، آزادی، برابری و زندگی انسانی مبارزه می‌کنند اهمیت دارد، تحزب سیاسی، شفافیت سیاسی، متحدشدن حول یک برنامه سیاسی روشن هم مهم است.

تجربه همه جنبش‌های اعتراضی و انقلابات به‌روشنی نشان داده است که یک خطر و یک مانع مهم در مقابل پیشروی و پیروزی انقلاب متعین

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و دانشجوین و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش از پیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشاداتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است.

گسترده از قبل پیا می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران



به حزب خود کمک مالی کنید!

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با بر نامه پاسخ کانال جدید

گفتم این یک رکن فعالیت احزاب و سازمانها در کشورهای غربی است. همه می دانند مبارزه هزینه دارد و باید این هزینه را به نحوی تأمین کنند. در جامعه ایران احزابی هستند که پایگاهشان طبقات متمول جامعه است و نیازی به کمپین مال ندارند و یا از دولتها کمک دریافت می کنند و یا هر منبع مالی دیگری. ما از حساب و کتاب مالی احزاب دیگر اطلاعی نداریم؛ ولی تا آنجا که به حزب ما، حزب کمونیست کارگری، مربوط می شود منبع اصلی درآمد مردم هستند. اتکا به مردم و درخواست کمک از مردم سنت دیرینه ما است. ما هر ساله این کمپین را اعلام می کنیم، علنی و شفاف وضعیت مالی حزب را به مردم گزارش می دهیم، از آنها کمک می خواهیم و منتظماً بیان این کمکها و ارقام آنها و اسامی کمک دهندگان با هر اسم و امضایی که خود را معرفی می کنند را اعلام می کنیم. البته همانطور که گفتم تمام هزینه های ما از این راه تأمین نمی شود - در ادامه این مصاحبه می توانیم به منابع دیگر هم اشاره کنیم - ولی در حال تا آنجا که کمپین مالی و درخواست کمک از مردم مربوط می شود ما این سنت را سالهاست که داریم و موفق هم بوده ایم. از این نظر از مردم تشکر می کنیم و قدردان آنها هستیم که به حزب خودشان کمک می رسانند و ما را در ادامه و گسترش فعالیت هایمان یاری می دهند.

حسن صالحی: در مورد منابع مالی دیگر بعداً صحبت می کنیم. ولی قبل از آن می خواهیم از شما در مورد هزینه های حزب سؤال کنیم. مشخصاً هزینه های ماهانه حزب چقدر است؟

حمید تقوایی: ما قبلاً هم در گزارشات رو به جامعه اعلام کرده ایم که در شرایط حاضر ما حدود ماهی ۲۸ هزار دلار هزینه داریم. این مبلغی است که هزینه سطح فعلی فعالیت ما را تأمین می کند؛ ولی هدف ما این است که فعالیت هایمان گسترش پیدا کند. بسیاری از اقدامات هست که سیاست و نقشه عمل و نیروی انسانی اش را داریم؛ ولی از لحاظ مالی امکان انجامش را نداریم. به این معنی می خواهیم بگویم که نیازهای مالی ما حدی ندارد. مبارزه حزب ما می توانید بسیار از این گسترده تر و فعال تر باشد به شرط اینکه امکان مالی اش فراهم باشد. ما خیلی از مسافرتها را انجام نمی دهیم، خیلی از جلساتی که می شود علنی و حضوری برگزار کرد را آنلاینی برگزار

حسن صالحی: حزب کمپینی را برای جمع آوری کمک مالی اعلام کرده است. هدف این کمپین جمع آوری ۱۵۰ هزار دلار در عرض یک ماه است. اولین سؤال من این است که حزب کمونیست کارگری ایران موجودیتش تا چه اندازه به این کمپینها و کارزارها گره خورده است.

حمید تقوایی: البته موجودیت حزب به برنامه و فعالیتها و ضرورت سیاسی اجتماعی حزب برمی گردد و به این معنی مستقل از توان مالی حزب است؛ ولی روشن است که دامنه فعالیت های حزب کاملاً وابسته است به تأمین هزینه آنها.

می دانید، و بی شک بینندگان این برنامه هم می دانند که حزب در عرصه های متعدد و در سطح گسترده ای فعال است. حزب از بدو تأسیسش تا امروز یعنی بیش از سه دهه است که مبارزه همه جانبه ای علیه جمهوری اسلامی و کل مصائبی که این رژیم به مردم تحمیل کرده است را به پیش می برد و این فعالیتها باید از نظر مالی تأمین شوند. در همین کشورهای غربی هر سازمان و انجمنی که فعالیت سیاسی - اجتماعی ای را شروع می کند یک رکن کارش به قول خودشان "فاند ریزینگ" است. حزب ما هم از این قاعده مستثنی نیست.

از تلویزیون ۲۴ ساعته که روی دو ماهواره پخش می شود تا انواع فعالیت های مبارزاتی در خارج کشور نظیر سازماندهی آکسیونها و تجمعات و تظاهراتها، مسافرت به کشورهای مختلف، برگزاری سخنرانی ها و سمینارها و کنگره ها و پلنومها و غیره و غیره، همه این فعالیتها هزینه بردار است. در داخل کشور هم حزب ما در بسیاری از جنبش های اعتراضی فعال است و هزینه این فعالیتها هم باید تأمین بشود. برای تأمین لاقبل بخشی از این هزینه ها است که حزب هر ساله کمپین جمع آوری کمک مالی اعلام می کند.

حسن صالحی: گفتید که احزاب در کشورهای غربی هم معمولاً چنین برنامه هایی برای فاند ریزینگ دارند. باین حال اینکه کمپین مشخصی در یک محدوده زمانی معین اعلام بکنیم در میان احزاب اپوزیسیون ایران مرسوم نیست. ولی حزب کمونیست کارگری بارها از این روش استفاده کرده است. این امر چقدر متداول است؟

حمید تقوایی: در جامعه ایران زیاد متداول نیست؛ ولی همانطور که

به حزب خود کمک مالی کنید!

از صفحه ۶

بود که با گسترش فعالیت‌ها و نیازهای مالی حزب این عدد را بالا بردیم و خوشبختانه همیشه کمپین‌های مالی ما با استقبال و جواب مثبت از جانب مردم و فعالین در داخل و خارج کشور روبرو شده است.

این نکته را هم بگویم که میزان کمک‌ها مستقیماً به شرایط سیاسی در ایران مربوط می‌شود. مثلاً در دوره خیزش ۸۸ فردی که از طریق تلویزیون کانال جدید به سیاست‌ها و فعالیت‌های حزب علاقه‌مند شده بود مبلغ ۴۵ هزار پوند به کانال جدید کمک کرد. در همان دوره یکی از دوستان از حزب از ایران مبلغ ۱۵ هزار دلار به حزب کمک کرد. در کمپین سال گذشته نیز از این نوع ارقام کمک چندین هزاردلاری داشتیم و امیدوارم در کمپین جاری هم چنین مواردی داشته باشیم.

حسن صالحی: اشاره کردید که منابع مالی حزب فقط کارزارهای جمع‌آوری کمک نیست. دیگر منابع مالی حزب کدام‌ها هستند؟ مثلاً حزب اسپانسرهایی دارد؟ نظیر احزاب غربی. آیا حزب از دولت‌ها کمک می‌گیرد؟

حمید تقوایی: مهم‌ترین ممر درآمد ما حق عضویت‌ها و کمک‌های اعضا و کادرها از جمله در همین کمپین‌های علنی است. یک بخش عمده کمک‌های مالی از جانب اعضا و کادرها و دوستان و هواداران حزب در خارج و داخل کشور تأمین می‌شود. در حال حق عضویت منظم ای که فعالین حزب می‌پردازند یک منبع ثابت درآمد حزب است.

منبع دیگر مربوط می‌شود به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی حزب و نهادهای مورد حمایت حزب در خارج کشور. نهادها و مؤسسات و انجمن‌های خیریه و مدنی در کشورهای غربی هستند که بودجه‌ای به کمک به فعالیت‌های مدنی و انسانی تخصیص می‌دهند، به فعالیت‌هایی نظیر دفاع از پناهندگان و یا علیه اعدام و یا حمایت از کودکان کمک می‌کنند، و یا اتحادیه‌های کارگری که حامی فعالیت‌های ما در جنبش کارگری هستند. بخش عمده‌ای از درآمد این نوع فعالیت‌های نهادهای مورد حمایت حزب از این طریق تأمین می‌شود. این هم منبع دیگری برای انجام فعالیت‌های عرصه‌ای حزب در خارج است.

در مورد اسپانسرها پرسیدید. در کمپین‌های مالی ما معمولاً کسانی قدم جلو می‌گذارند و کمک مستمر ماهانه‌ای را متعهد می‌شوند. این را می‌توان نوعی اسپانسری دانست.

در مورد کمک دولت‌ها هم باید بگویم که ما از هیچ دولتی کمک مالی دریافت نمی‌کنیم. البته از نظر اصولی مشکلی با این امر نداریم و از هر نوع کمکی که بدون قید و شرط باشد استقبال می‌کنیم؛ ولی تاکنون کمکی از هیچ دولتی دریافت نکرده‌ایم. در حال حزب بر مبنای جایگاه و نفوذ اجتماعی‌اش نیازهای مالی خود را تأمین می‌کند و حتی اگر کمکی از دولتی دریافت کنیم منبع مورد اتکای ما مردم خواهند بود. باید توجه داشت که کمک مالی مردم به حزب صرفاً یک رابطه مالی نیست؛ بلکه بیانگر یک پیوند سیاسی - اجتماعی بین حزب و جامعه است و از این نظر کمپین‌های مالی ما در عین حال یک حرکت سیاسی ارزشمند هستند.

حسن صالحی: شما در صحبت‌هایتان به کمک‌های اعضا و کادرها و دوستان و هواداران حزب اشاره کردید. ولی لیست کمک‌ها بیشتر از این‌هاست. کم نیستند افرادی که احتمالاً حتی خودشان را چپ نمی‌دانند؛ ولی فعالیت‌های حزب در عرصه معینی را قبول دارند و مثبت می‌دانند و به همین خاطر به حزب کمک می‌کنند. آیا خطاب کمپین‌های مالی همه مردم هستند و یا دوستان و هواداران حزب؟

حمید تقوایی: روشن است که کمپین مالی ما فلسفه‌اش جمع‌آوری کمک از همه مردم است. اعضا و کادرها که همیشه در تأمین مالی حزب سهیم هستند، از طریق حق عضویت‌ها و یا کمک به کارزارها و پروژه‌های مشخص حزب. اگر هدف همین سطح از کمک‌ها بود اساساً نیازی به اعلام کمپین

می‌کنیم، از بسیاری از سمینارها و پنل‌ها صرف‌نظر می‌کنیم، بسیاری از آکسیون‌ها و تجمعات را آن‌طور که باید و شاید برگزار نمی‌کنیم و غیره. اینها همه محدودیت است؛ بنابراین در عین اینکه در حال حاضر با حدود ماهی ۲۸ هزار دلار که بخش عمده‌اش صرف اداره تلویزیون ۲۴ ساعته می‌شود، حزب را اداره می‌کنیم؛ ولی فعالیت‌های ما می‌تواند بسیار گسترده‌تر باشد.

حسن صالحی: آیا منظورتان این است که اگر حزب بتواند ماهانه ۴۰ یا ۵۰ هزار دلار درآمد داشته باشد فعالیت‌هایش جهش بزرگی خواهد داشت؟

حمید تقوایی: حتماً همین‌طور است. بگذارید چند مثال بزنم. بخشی از هزینه‌های حزب کمک مالی به کادرها و اعضای تمام‌وقت حزب است. منتها این فقط کمک‌هزینه است و به هیچ‌وجه کفاف خرج زندگی آنها را نمی‌دهد. این کمک‌هزینه‌ها حتی از حداقل دستمزد در کشورها خیلی پایین‌تر است. در حالی که ما احتیاج به فول‌تایم‌هایی داریم که دغدغه تأمین زندگی نداشته باشند و بتوانند تمام‌وقت فعالیت حزبی کنند. کسانی که در ادبیات چپ انقلابیون حرفه‌ای نامیده می‌شوند. انقلابیونی که زندگی‌شان صرف مبارزه می‌شود و بنابراین باید تأمین باشند. باید بتوانیم شرایط یک زندگی متعارف را برای آنها تأمین کنیم؛ ولی متأسفانه این امکان مالی را نداریم. همین یک مورد را در نظر بگیرید. با تأمین مالی فعالین حزب می‌توان نیروی قابل‌توجهی را آزاد کرد و به فعالیت‌های مبارزاتی اختصاص داد. اگر درآمد ما مثلاً دوبرابر درآمد امروز بود می‌توان گفت که حجم فعالیتیمان هم دوبرابر می‌شد.

مورد دیگر گسترش کار تلویزیون کانال جدید است که می‌تواند خیلی بهتر و با راندمان بالاتری از این و با امکانات تکنولوژیک بیشتر و کادر تکنیکی واردتر و کارآمدتر و با ماهواره‌های بیشتر رو به ایران فعالیت کند. در شرایط حاضر ما روی دو ماهواره برنامه پخش می‌کنیم. تا چند ماه قبل کانال جدید روی سه ماهواره بود که به خاطر محدودیت مالی مجبور شدیم به دو ماهواره قناعت کنیم. فعالیت کانال جدید هم می‌تواند در تمام این جنبه‌ها ارتقا پیدا کند و این هم نیازمند تأمین درآمد بیشتری است. در مورد فعالیت در مدیای اجتماعی، سایت‌ها و اینستاگرام و تلگرام و فیس‌بوک و غیره هم عیناً همین امر صادق است. مسافرت‌ها، کارزارها و آکسیون‌ها، و کمک به فعالین حزب در داخل کشور که بسیار بیشتر تحت فشار مالی هستند، هم همه به جمع‌آوری کمک‌های مالی بیشتری وابسته است.

مانع اساسی بر سر بالفعل شدن همه این پتانسیل‌های مبارزاتی محدودیت منابع مالی است. اگر ما بتوانیم این منابع را گسترش بدهیم مطمئناً جهشی در فعالیت‌های حزب، چه در داخل و چه در خارج کشور، رخ خواهد داد.

حسن صالحی: اولین بار نیست که حزب کمپین جمع‌آوری کمک مالی اعلام می‌کند. چندین سال است ما کمپین مالی داشته‌ایم. استقبال از این کمپین‌ها چطور بوده است. انتظار شما از پاسخ مردم به کمپین جاری چیست؟

حمید تقوایی: خوشبختانه همه کمپین‌های ما موفقیت‌آمیز بوده است. ما در چند سال اخیر سقف صد هزار دلار را اعلام کردیم و همیشه توانسته‌ایم بیشتر از این مبلغ جمع‌آوری کنیم و این امر ما را تشویق کرد و به ما جرئت داد که امسال ۱۵۰ هزار دلار را هدف کمپین اعلام کنیم و امیدوارم به این هدف برسیم. سال گذشته هدف ما صد هزار دلار بود و حدود ۱۱۰ هزار جمع کردیم. هدف کمپین سال‌ها قبل‌تر ما ۵۰ هزار دلار

به حزب خود کمک مالی کنید!

از صفحه ۷

ثانیاً ما در سطح وسیع‌تری می‌توانیم از داخل کشور کمک جمع‌آوری کنیم. اساساً پایگاه و نفوذ و ارتباطات حزب در داخل کشور است؛ بنابراین ما این انتظار را داریم و تلاش می‌کنیم که از تعداد هر چه بیشتری کمک بگیریم. هر اندازه هم که مبلغ این کمک‌ها کم باشد وقتی در تعداد کلانی ضرب بشود مبلغ قابل توجهی خواهد شد.

نکته آخر هم این است که کمک مالی از داخل کشور جایگاه و ارزش و اهمیت سیاسی و اجتماعی بالایی دارد. به نظر من این یک شاخص کمی و ملموس است که جایگاه و موقعیت حزب در داخل کشور را نشان می‌دهد، موقعیت حزب در جنبش‌های مختلف، از جنبش کارگری تا جنبش بازنشستگان و جنبش دادخواهی و جنبش دانشجویی و مبارزات مردم کردستان و غیره. در تمام این عرصه‌ها حزب فعال است. از این‌رو میزان کمک‌های مالی مقدارش هر چه باشد نشان‌دهنده اقبال سیاسی جامعه از حزب است و این برای ما بسیار ارزشمند و مهم است. در خارج کشور هم همین‌طور است؛ ولی به‌ویژه کمک‌ها از داخل کشور برای ما بسیار شوق‌آور و دلگرم‌کننده است.

حسن صالحی: به‌عنوان آخرین سؤال پیام شما به مردم چیست؟ چرا باید مردم به حزب کمک مالی کنند؟

حمید تقوایی: عنوان این مصاحبه گویاست: به حزب خودتان کمک مالی کنید! این حزب، حزب ۹۹ درصدی‌ها است نه به این معنی که توده مردم لزوماً کمونیست یا سوسیالیست هستند؛ بلکه به این معنی که اکثریت مردم انسان‌دوست هستند. اکثریت قریب به اتفاق مردم می‌خواهند نابرابری در هیچ سطحی نباشد، می‌خواهند اعدام نباشد، می‌خواهند سرکوب نباشد، می‌خواهند انواع تبعیضات از جامعه جارو بشود، می‌خواهند زن و مرد کاملاً مساوی باشند، می‌خواهند حجاب اجباری و آپارتاید جنسیتی کلاً بر بیفتد، می‌خواهند مذهب از دولت جدا باشد، از قانون جدا باشد، از آموزش و پرورش جدا باشد و تبدیل شود به امر خصوصی افراد؛ می‌خواهند جانباں حاکم به محاکمه کشیده شوند. کل جامعه می‌خواهد جمهوری اسلامی نابود شود و می‌خواهد با شعار زن زندگی آزادی به یک جامعه برابر و آزاد و مرفه برسد. حزب کمونیست کارگری حزب همه این مردم است. چون حزب ما برای تمام این اهداف می‌جنگد. نه تنها امروز، نه صرفاً در انقلاب زن زندگی آزادی، بلکه در تمام دوره فعالیتش. دهه‌هاست که ما برای این اهداف می‌جنگیم و خوشبختانه بسیاری از فعالیت‌های مبارزاتی حزب الان تبدیل شده به یک مبارزه اجتماعی. الان در سطح گسترده‌ای فعالین و دست‌اندرکاران درگیر این مبارزات هستند. طرف خطاب من هم توده مردم هستند و هم دست‌اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی، جنبش علیه اعدام، جنبش دادخواهی، جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، جنبش رهایی زن، جنبش رنگین‌کمانی‌ها و همه جنبش‌های اعتراضی جاری. حزب ما حزبی است که در تمام این عرصه‌ها که برای شما هم مهم است و آرمان شما را تشکیل می‌دهد، مدت‌ها فعال بوده است؛ بنابراین گام عملی که می‌توانید بردارید تا به اهداف انسانی‌تان نزدیک‌تر بشوید و برای اینکه همه بتوانیم این بساط ظلم و جنایت و فقر و فساد را در هم بیچیم به حزب مبارزه علیه تمام این مصائب یاری برسانید.

حزب ما حزب خود شماست، به حزب‌تان کمک کنید!

۱۹ اسفند ۱۴۰۳، ۲۷ فوریه ۲۰۲۵

مالی نداشتیم. کمپین‌های مالی حزب اساساً رو به جامعه اعلام می‌شود و این مردم غیرحزبی هستند که به یاری ما می‌شتابند. افرادی که عضو حزب نیستند و شاید تمایلی هم به عضویت در حزب نداشته باشند؛ ولی حزب را مثبت می‌دانند و با فعالیت‌های حزب در عرصه‌های مختلف موافق‌اند. می‌بینند که آرمان‌های حزب آرمان آنها هم هست، اهداف انسانی حزب اهداف آنها هم هست و با کمک مالی به حزب می‌خواهند نقش داشته باشند در مبارزه با جمهوری اسلامی و با سرکوب و بی‌عدالتی‌ها و فقر تبعیضاتی که رژیم به جامعه تحمیل کرده است. انسان‌های شریفی که می‌خواهند با کمک به حزب در مبارزه با جمهوری اسلامی نقشی داشته باشند. بخش عمده‌ای از کمک‌های مالی بر این مبنای جمع‌آوری می‌شود.

نکته دیگر اینکه اشاره من به کمک اعضا و کادرها به این معنی نبود که تنها از جیب خودشان کمک می‌کنند. در کمپین‌های مالی اعضای حزب ارتباطات اجتماعی‌شان با افراد غیرحزبی، با نهادها و اکتیویست‌هایی که با آنها رابطه شخصی دارند و با دوستان دور نزدیکشان را فعال می‌کنند. یعنی در کمپین‌های مالی ما یک نوع بسیج اعضای حزب برای تماس با جامعه، در خارج و در داخل ایران، و درخواست کمک شکل می‌گیرد که نقش مؤثری در موفقیت کمپین‌های ما دارد. این ارتباطات معمولاً موفق است به این دلیل که بسیاری از افراد حامی مبارزات عرصه‌ای حزب هستند. مثلاً می‌خواهند در مبارزه علیه اعدام، یا برای آزادی زندانیان سیاسی، یا در حمایت از جنبش کارگری، در حمایت از پناهندگان، در حمایت از کودکان، حقوق رنگین‌کمانی‌ها، و یا تقویت کانال جدید به ما کمک کنند. حتی برخی می‌خواهند کمک‌شان به امر معینی اختصاص بیاید که ما هم در اعلام کمک‌ها و هم در تخصیص عملی این کمک‌ها نظر کمک‌دهندگان را ملحوظ می‌کنیم.

در حال کمک‌های مالی اساساً از جانب عزیزانی است که با سیاست‌ها و فعالیت‌های حزب

لااقل در بخشی از عرصه‌ها موافق‌اند، آن را امر خودشان می‌دانند و به این ترتیب می‌خواهند گام عملی‌ای بردارند در جهت آرمان‌ها و اهدافشان.

حسن صالحی: در لیست شماره یک کمپین جاری اعلام شده مبلغی حدود ۴۰ هزار دلار تاکنون جمع شده است و در پایان لیست اسامی‌ای هم از داخل کشور به چشم می‌خورد. این کمک‌های مالی از داخل کشور از نظر شما چه اهمیت دارد؟

حمید تقوایی: اجازه بدهید اول این عدد را تصحیح کنم. در لیست اول که حدود یک هفته قبل اعلام شد عدد ۴۰ هزار و خرده‌ای بود؛ اما تا کنون بیش از ۶۰ هزار دلار کمک جمع‌آوری کرده‌ایم. امیدوارم با همین شتاب پیش برود و به ۱۵۰ هزار دلار و بیشتر از آن هم برسد.

در مورد کمک‌های از داخل کشور گرچه مبلغ این کمک‌ها به‌خاطر وضعیت سخت معیشتی مردم، بخصوص بخشی که پایگاه حزب ما محسوب می‌شوند، ارقام بزرگی نیست؛ ولی نکته مهم این است که اولاً هر یک دلار کمک به حزب ارزشمند است. ما دست هم عزیزانی که به ما کمک می‌کنند را می‌فشاریم و قدردان آنان هستیم و امیدوارم هیچ‌کس به این خاطر که مبلغ کمی می‌تواند کمک کند از کمک کردن منصرف نشود.

زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی

حقوق بشر، سرمایه‌داری، و ترامپسیسم



کاتم نیک‌خواه

و سلطنت به پیش کشیده شد و در این کشورها به قانون تبدیل شد. اما با شکست جناح چپ انقلاب، برای نمونه با شکست ژاکوبین‌ها و اعدام چهره‌هایی نظیر روبسپیر و سن ژوست در انقلاب فرانسه، عملاً حقوق انسانی تا نزدیک به دو قرن کنار گذاشته شد و دولت‌های اروپایی دیکتاتوری پشت دیکتاتوری بودند و نیروهای کارگری و مردمی با انقلابات متعددی با آنها مقابله می‌کردند. اما قادر به کرسی نشاندن حقوق اساسی خود نشدند. با شروع و پیروزی انقلاب اکتبر روسیه علیه تزارسیسم که ستون ارتجاع جهانی بود، یک‌بار دیگر گفتمان حقوق انسانی در اوایل قرن بیست جلو آمد. حق رأی زنان، حق رأی عمومی، حقوق برابر زن و مرد و امثال اینها در این انقلاب به قانون تبدیل شدند و جنبش‌های سوسیالیستی در همه کشورهای غربی شکل گرفتند و برای این حقوق مبارزه‌ای گسترده را به جریان انداختند.

از این تاریخ گفتمان حقوق بشر مجدداً به صحنه سیاست و فرهنگ غرب وارد شد. از این زمان است که تحولاتی به نفع حقوق بشر در کشورهای مختلف شکل می‌گیرد و کشورهای اروپایی یکی پس از دیگری قوانینی را به نفع حقوق برابر زن و مرد و حق رأی عمومی و حقوق ملت‌ها به جریان می‌اندازند. در انگلستان حق رأی زنان و یک سری حقوق شهروندی در سال ۱۹۱۸ یعنی درست یک سال بعد از انقلاب اکتبر به رسمیت شناخته می‌شود. در آمریکا حق رأی زنان در سال ۱۹۲۰ یعنی دو سال بعد به قانون تبدیل شد. در فرانسه این حقوق در سال ۱۹۴۴ به رسمیت شناخته شد. یک هدف مشخص این دولت‌ها از به رسمیت شناختن حق رأی زنان و حق رأی عمومی، آشکارا فرونشاندن تب کمونیسم و بلشویسم در این کشورها بود.

محاصره دولت نوپای بلشویکی و استالینیسم

اما دولت‌های غربی هم زمان با عقب‌نشینی در برابر جنبش‌های چپ و سوسیالیستی در کشورهای متبوع خود، دولت نوپای بلشویکی را تحت محاصره اقتصادی شدید و لشکرکشی و حمله نظامی گسترده قرار دادند و فقر و قحطی را به کارگران و دولت کارگری این کشور تحمیل کردند. این شرایط نهایتاً به روی کار آمدن استالین و دیکتاتوری و سرکوب علیه بلشویک‌ها و کمونیست‌ها منجر شد و کشوری که پیش‌گام حقوق انسانی و شوراهای مردمی و پایان دادن به استعمار ملت‌ها بود، زیر فشار قحطی و جنگ و فشارهای مختلف، به دامان دیکتاتوری استالینی رانده شد. از این زمان است که انقلاب آزادی‌خواهانه مردم در روسیه به شکست می‌رسد و دیکتاتوری استالینی جای حکومت شوراهای را می‌گیرد. با این تحول، دولت‌های غربی از نظر فرهنگی و سیاسی نیز دست به تعرض می‌زنند و کشاکشی به نام "جنگ سرد" که بخش اعظم قرن بیست را در بر می‌گیرد به جریان می‌افتد. پرچم دولت‌های سرمایه‌داری غرب در این جنگ "حقوق بشر" است. همان دولت‌هایی که خونتاهای یا دیکتاتورهای خون‌آشام نظامی نظیر پینوشه و سرهنگان آرژانتین و سرهنگان یونان و دیکتاتوری‌هایی نظیر دیکتاتوری آریامهری در ایران و ده‌ها دیکتاتوری جنایت‌کار دیگر در آفریقا و آسیا را سرکار کشیدند، هم‌زمان مدال افتخار "حقوق بشر" را به سینه زدند و به عنوان مدافعان حقوق بشر خود را به افکار عمومی فروختند. تئوری اقتصادی این استراتژی را هم میلیتون فریدمن اقتصاددان دست راستی آمریکا ارائه داده بود و این را تئوریزه کرده بود که سرمایه‌داری باید فقط در فکر سود باشد و گفتمان‌های حقوق شهروندی را دور بیندازد. او تبلیغ می‌کرد که با ثروتمند شدن سرمایه‌داران گویا کل جامعه نیز خوشبخت خواهد شد.

در پنجاه و هشتمین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل (۶ تا ۱۴ اسفند) بحث‌های زیادی در مورد وضعیت حقوق بشر انجام گرفت و هشدارهای جدی‌ای داده شد. آنتونیو گوتیش دبیرکل سازمان ملل هشدار داد که حقوق بشر در سراسر جهان در حال خفه شدن است. به گفته گوتیش، حقوق بشر «اکسپژن بشریت است»، اما این حقوق در حال حاضر در جهان «به دست حکام خودکامه در حال خفه شدن است»، چرا که «آنها از کاری که جامعه‌ای قدرتمند می‌تواند انجام دهد واهمه دارند». او در ادامه به حکومت‌های «پدرسالار» اشاره کرد که «دختران را از مدرسه و زنان را از حقوق اساسی‌شان دور نگه می‌دارند». فولکر تورک کمیسر عالی حقوق بشر و دومین سخنران این اجلاس نیز هشدار داد که جهان با خطر بازگشت دیکتاتورهای مواجه است و از همین رو برای جلوگیری از رخدادهای بسیار خطرناک باید دست به تلاش فوری زد. او گفت «دیکتاتورهای زمانی این قدرت را داشتند که دستور جنایت علیه بخش بزرگی از مردم را بدهند و آنها را به کام مرگ بفرستند. هشیار باشید که این باز هم می‌تواند اتفاق بیفتد». بخشی از اجلاس جهانی حقوق بشر سازمان ملل به کارنامه جمهوری اسلامی و اعدام چند صد نفر در سال گذشته پرداخت و نمایندگان چند کشور جمهوری اسلامی را به‌خاطر این اقدام‌ها مورد انتقاد و حمله شدید قرار دادند.

سؤال اساسی این است که اشاره این مقامات سازمان ملل به کدام دولت‌ها و دیکتاتورهایست و این کدام خطرات است که حقوق بشر را به قول گوتیش به مرز خفه شدن رسانده است؟ حقوق بشر در دنیای امروز چه جایگاهی دارد؟ در چه موقعیتی است؟ از جانب کدام دولت‌ها تهدید می‌شود؟ و مردم چه نقشی در این رابطه ایفا می‌کنند؟

اگر منظور از دیکتاتورهای حکومت‌هایی نظیر جمهوری اسلامی و طالبان و اردوغان و دیکتاتورهای مذهبی و ناسیونالیستی و قومی در آفریقا و آمریکای لاتین و غیره باشند، باید گفت که این تهدید تازه‌ای نیست. اینها دهه‌هاست که تا آنجا که زورشان می‌رسد دارند حقوق بشر و خود بشر را خفه و نابود می‌کنند. یک نمونه‌اش جمهوری اسلامی در ایران است که ۴۵ سال است با اعدام و ترور و جنایت‌های هر روزه و چپاول معاش ابتدایی مردم، فاجعه‌ای عظیم را در این کشور رقم زده است و هیچگاه اجازه نداده است که حقوق بشر در این کشور معنایی داشته باشد و امروز با سر بلند کردن خیزش و انقلاب مردمی این حکومت در سرایش سقوط افتاده و چشم‌انداز اوضاع از همیشه در این کشور امیدبخش‌تر و روشن‌تر است.

تا آنجا که به بحران حقوق بشر مربوط می‌شود، مسئله اصلی و نسبتاً تازه این است که پرچم "حقوق بشر" در خود دنیای غرب پایین کشیده شده و موضوعیت خود را از دست داده است. این حقوق در حد همان چارچوب نسبتاً محدود آن نیز به دلایل تاریخی مدت‌هاست که به یک امر دست‌وپاگیر و دردمساز تبدیل شده است و امروز روی کار آمدن چهره‌ای همچون ترامپ در آمریکا و تعظیم دولت‌های اروپایی به او، بازتاب این تحول تازه است. ترامپ نماینده اعلام پایان حقوق بشر کذایی از جانب دولت‌های غربی است.

حقوق بشر تاریخی دارد. این حقوق بر خلاف آنچه قلمداد شده است، از جانب سرمایه‌داران و دولت‌های سرمایه‌داری به سیاست دنیا وارد نشده است. حقوق بشر یا حقوق انسانی ریشه در اندیشه‌های عصر روشنگری دارد و از نظر اجتماعی در انقلاب فرانسه و انقلاب آمریکا با فشار جناح چپ این انقلابات و ا فشار و نیروهای کارگری و زحمت‌کش علیه اشرافیت

رانندگی در شب تیره با چراغ خاموش از صفحه نخست



حقوق بشر، سرمایه‌داری، و ترامپسیسم از صفحه ۹

پایان "حقوق بشر" کذابی

اکنون مدت‌هاست که مدال حقوق بشری برای دولت‌های غربی دست‌وپاگیر شده است و این دولت‌ها مانده‌اند که چگونه خود را از این معضل خلاص کنند. زیر فشار افکار عمومی دولت‌ها ناچار بوده‌اند همچنان خود را به درجاتی "حقوق بشری" معرفی کنند. موفقیت ترامپ همین است که در این دوره سر بلند کرده است. او به‌عنوان نماینده صریح‌اللهجه این واقعیت، در آمریکا به سرکار کشیده شده است و به کمک مولتی‌میلیاردرهایی نظیر امثال ایلان ماسک و جف بزوس و غیره دارد پایان این دوره را با سیاست‌های فاشیستی و حمله آشکار به پناهندگان و زنان و حقوق اجتماعی و نهادهایی مثل حقوق بشر سازمان ملل و خود سازمان ملل و نهادهای مرتبط با این نوع حقوق، اعلام می‌کند.

اما مشکل "کوچکی" که این سیاست‌مداران و این استراتژی نسبتاً جدید دولت‌های غربی دارد، این است که استراتژی اقتصادی این سیاست که فرموله‌کننده آن مورگان فریدمن اقتصاددان آمریکایی بود، مدت‌هاست به شکست و به پایان رسیده است. ترامپسیسم از نظر سیاست‌های اعلام‌شده‌اش یک نوع فاشیسیسم است. اما فاشیسیسمی که نه استراتژی اقتصادی دارد و نه از نظر نظامی چشم‌اندازی برای پیروزی می‌تواند در برابر مردم قرار دهد. چرا که در دوره سلاح‌های مخوف هسته‌ای نمی‌توان مثل هیتلر با استراتژی تسخیر نظامی کشورها مردم را به امید خوشبختی به دنبال خود کشاند. ترامپ و ترامپسیست‌ها با فریدمنسیسم شکست‌خورده می‌خواهند "عظمت آمریکا" را بازگردانند. اینجاست که فاشیسیسم جدید خیلی زود به‌ناچار از جانب طراحانش اوراق خواهد شد و تلاطمات تازه‌ای در میان دولت‌ها شکل خواهد گرفت. اینکه این دوره با چه رنج‌ها و بحران‌ها و مسائل اجتماعی‌ای پایان یابد روشن نیست؛ اما این روشن است که ترامپسیسم جواب سرمایه‌داری امروز نیست و به‌ناچار خیلی زود کنار خواهد رفت.

حقوق انسانی فراگیر

واقعیتی که از خلال همه این تحولات دارد خود را نشان می‌دهد این است که بورژوازی یعنی طبقه سرمایه‌دار زمان ما از نظر اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی به ته خط رسیده است. در عصر پیشرفت‌های عظیم تکنولوژیک که می‌بایست به آزادی‌های اجتماعی گسترده، به شکوفایی اقتصادی و رفاه گسترده و امنیت و شادی عمومی منجر شود، پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری با معضل بی‌کاری، بی‌خانمانی، رکود اقتصادی و هزار مشکل و بحران دیگر روبرو هستند و آسیب‌پذیرترین قشر اجتماعی یعنی پناهندگان را به‌عنوان عامل همه معضلات خود معرفی می‌کنند. انکار حقوق انسانی و شهروندی، ضدیت آشکار با پناهندگان و زنان و آزادی‌های سیاسی و رفاه عمومی به پرچم بورژوازی امروز تبدیل شده است. همین خود بیانگر این است که این سیستم دیگر بیش از حد کهنه شده است و به هیچ‌نیز نیاز واقعی دوران خود جواب نمی‌دهد.

بشریت به انقلابات اجتماعی تازه‌ای نیاز دارد تا بتواند از زندگی و امنیت و آزادی و رفاه خود در برابر سیستم زنگ‌زده سرمایه‌داری دفاع کند و این کار دولت‌ها نیست. کار مردم است. امر طبقه کارگر و نسل‌های جدید چپ و کمونیست است که به این نیاز پاسخ دهند.

دنیای کنونی به‌سادگی می‌تواند رفاه به مفهوم کامل کلمه را برای تک‌تک شهروندان جوامعش تأمین کند، آزادی را به صحنه تمام جوامع بیاورد و به جنگ‌ها و رنج‌ها و تبعیضات و نابرابری‌ها برای همیشه پایان دهد. پایان حقوق بشر. کذابی می‌تواند سوت آغاز حقوق بشر. واقعی را به صدا در آورد.*

در شرایطی نیست که بتواند حتی وعده‌سخرمن به مردم بدهد. فقر و فلاکت اقتصادی در برابر مردم دهان باز کرده است و مردم بی‌هیچ شکی مسبب همه این بدبختی‌ها را رژیم حاکم می‌دانند. جمهوری اسلامی یعنی فساد، چپاول، دزدی و حاکمیت مشتی مافیای اقتصادی. این فقط بازتاب چهره سیاسی رژیم در اقتصاد است. چهره سیاسی و فرهنگی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی صدها برابر از این تیره و تارتر است. جمهوری اسلامی با خود زندگی و شادی و خوشی سر جنگ دارد. این حکومت هویت و کرامت و منزلت نیمی از شهروندان جامعه، یعنی زنان را به پررحمانه‌ترین شکل ممکن انکار می‌کند و در مقابل، همین انکارشدگان با داس تیز مبارزه به جان بنیادهای جمهوری اسلامی افتاده‌اند و یک‌قدم هم پا پس نمی‌کشند. برای حکومت اسلامی نه برجای مانده است نه جام زهر جدیدی. با مذاکره بازنده است و بی‌مذاکره درمانده‌تر از همیشه. حکومت اسلامی اسیر سیاست ۴۶ساله خود شده است.

چه باید کرد؟ جامعه در حال فلج اقتصادی است. خاموشی‌ها مکرراً ادامه‌دارتر و طولانی‌تر می‌شوند و اقتصاد فلج جمهوری اسلامی راهی برای برون‌رفت از این بحران ندارد. این وضعیت تعطیلی‌ها نمی‌تواند ادامه‌دار باشد. اوضاع التهابی جامعه نشان می‌دهد مردم علی‌رغم همه فشارهای سنگین و خردکننده‌ای که متحمل می‌شوند به دنبال راه نجات‌اند. مردم باید علیه فقر و فلاکت اقتصادی همچون یک تن واحد عمل کنند. ضربه نهایی به حکومت را می‌شود با اتحاد سراسری همه شهروندان علیه فقر و فلاکت گام‌ها به جلو برد. جنبش‌ها و نهادها و تشکلهای مبارزاتی می‌توانند علیه فقر به یاری هم بشتابند.

میلیون‌ها بی‌کاری در آمد و بدون کمترین تأمین اجتماعی، دانشجویان و "خانه‌دارها" و... در همراهی با کارگران می‌توانند و باید دست‌اندرکار ساختن جنبشی اجتماعی و فراگیر علیه فقر شوند. شبکه‌ها و نهادها و جنبش‌های موجود اعتراضی که با خواست معیشت و منزلت در صحنه مبارزه حضور فعال دارند و روزانه با اعتراضات و اعتصابات بی‌وقفه خود در برابر رژیم ایستاده‌اند، می‌توانند بخش‌های هر چه وسیعی تر از جامعه را متحد مطالبات عمومی رفاهی خود کنند.

اگر جمهوری اسلامی با چراغ خاموش در شیب تند در حال راندن است، جامعه باید با چشم باز و با آمادگی وسیع اجتماعی فرمان قطار انقلاب را به دست بگیرد و به‌سوی رهایی از فقر و فساد و گرانی، به‌سوی ساختن یک دنیای بهتر به‌پیش براند. همه نشانه‌های اجتماعی و سیاسی و موقعیت مبارزاتی جامعه بر این نکته تأکید می‌گذارد که ما مردم می‌توانیم به اهداف انقلاب زن زندگی آزادی دست پیدا کنیم. فعالین اجتماعی و رهبران میدانی باید دید وسیع‌تری از پیروزی‌های بزرگ‌تر جلوی خود ترسیم کنند و دست‌اندرکار اتحادهای سراسری شوند. نهایتاً مثل همه جای دنیا که احزاب سیاسی نقش تعیین‌کننده در پیروزی این یا آن سیاست دارند و مسیر سیاسی و اقتصادی جامعه را به سمت راست یا چپ رهنمون می‌شوند، در ایران نیز باید همسو با یک حزب انقلابی، دسترسی به پیروزی را به امری دست‌یافتنی‌تر مبدل کرد. در این نبرد اجتماعی، حزب کمونیست کارگری در دسترس همگان است.

اقتصاد فروپاشیده، بحران بودجه و اعتراضات مردمی

گفت‌وگو با شهلا دانشفر



انترناسیونال: مشکلات اقتصادی مردم با سر کار آمدن جمهوری اسلامی شکل فزاینده به خود گرفت. به این معنی که ما با یک سیر نزولی البته با سرعت‌های متفاوت، در قدرت خرید و وضعیت رفاه و معیشت مردم مواجه هستیم. این سیر نزولی اکنون به چنان قهقراپی رسیده که حتی تصور همه جوانب آن مشکل است. از سقوط ارزش ریال و گرانی‌های حیرت‌انگیز تا توقف چرخ‌های کشور به دلیل بحران انرژی. شما چه عواملی را در شکل‌گیری این شرایط وحشتناک دخیل می‌دانید؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کرده‌اید اقتصاد تحت حاکمیت جمهوری اسلامی عمیقاً بحران‌زده و فلج است. بحرانی به قدمت طول عمر آن، که ساختاری است و به کل موجودیت این حکومت باز می‌گردد.

طبعاً برای همه ما روشن است که سرمایه‌داری اساسش بر استثمار و بالا کشیدن سود نیروی کار کارگر (ارزش اضافه) استوار است. سیستمی انگلی که با رشد خود یک‌تازی و رشد سرمایه مالی، مجازی و دلالی فاسد را همراه می‌آورد. اما در ایران بحث فراتر از این‌هاست و ما نه با یک سیستم متعارف گردش سرمایه بلکه با سیستمی تماماً انگلی و غارتگر روبرویم که خصیصه‌های خود را دارد.

به این معنا که جمهوری اسلامی بعد از روی کار آمدنش و سرکوب انقلاب برای در قدرت نگه‌داشتن خود از همان روز اول بر طبل "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر شیطان بزرگ" کوبید و با همین سیاست نمایش اشغال سفارت آمریکا را به راه انداخت و بعد هم هشت سال جنگ با عراق که آخرش ناگزیر به سرکشیدن جام زهر صلح شد و غرب‌ستیزی یک هویت پایه جمهوری اسلامی است.

تداوم این سیاست‌ها در طول ۴۶ ساله جمهوری اسلامی و نقش کلیدی آن در جنبش اسلام سیاسی، اقتصادی تحت تحریم و منزوی از بازار جهانی، متکی بر رانت‌خواری و ارز دونه‌خی و بازار قاچاق بوده است. سیستمی که سلطه باندهای مختلف مافیای اقتصادی بر واردات، صادرات و رشته‌های مختلف تولیدی و فساد و دزدسالاری جزء نهادینه آن است.

در چنین سیستمی ما با باندهای مافیای مختلف مالی در حلقه‌ای از روابط فامیلی و رشوه‌دهی و باج‌گیری در حاکمیت روبرویم که در رابطه مستقیم با سپاه و نیروهای مسلح و انتظامی و بیت رهبری قرار دارند. یعنی هر بخش از اقتصاد جمهوری اسلامی به دست مافیای است. برای سرمایه‌دار نیز جهت داشتن حاشیه امن، دوری و نزدیکی به مراکز قدرت مهم است. بدین ترتیب ما با انواع مافیای اقتصادی، مافیای آب، مافیای بازار، مافیای کشاورزی و غیره روبرویم. از جمله همین‌ان مافیای بازار کل بازار را به دست گرفته است.

این چنین است که ابعاد اختلاس‌ها نجومی است. از جمله ما با غارت خزانه دولتی، تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی و فرهنگیان و غیره از سوی باندهای مختلف حکومتی روبرویم. ما با زمین‌خواری، جنگل‌خواری، دزدی دکل‌های نفتی و پول‌شویی در کشورهای هم‌جوار و بیرون بردن میلیاردها پول به خارج از کشور روبرویم و یک موضوع نزع‌های درون‌حکومتی نیز همواره بر سر همین چپاولگری‌ها بوده و امروز در سراسری سقوط رژیم، جنگ و رقابتشان بر سر غارت ثروت‌های جامعه بیش از هر وقت بالا گرفته است.

اقتصادی با این مختصات اقتصادی بیمار، بی‌ثبات و غیرقابل برنامه‌ریزی است. بدین ترتیب در ایران بحث از بحران اقتصادی به مفهومی که معمولاً از آن صحبت می‌شود فراتر است. حتی با بحرانی که در طول سال‌های عمرش با آن درگیر بوده است متفاوت است. امروز صحبت از اقتصاد ورشکسته و فلج جمهوری اسلامی و رسیدن آن به مرز سقوط است. فضای تنش‌های جنگی میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، جنگ‌افروزی‌های حکومت در منطقه و شکست‌های پی‌درپی آن و به‌ویژه سقوط بشار اسد این پایگاه اصلی جمهوری اسلامی در خاورمیانه حکومت را در ضعیف‌ترین موقعیت قرار داده و موجب متشتت شدن بیشتر صفوفش در منطقه شده است. این وضعیت سقوط جمهوری اسلامی را در چشم‌انداز نزدیک‌تری قرار داده است.

بنابراین، افزایش نجومی قیمت دلار عارضه‌ای از این شرایط است که سراسری سقوط اقتصادی جمهوری اسلامی را در پی داشته است. تا جایی که امروز حکومت اسلامی ناتوان از اداره جامعه است. از جمله امروز ما شاهد عبور نرخ دلار از ۹۴ هزار تومان هستیم. شاهد تعطیلی جامعه به‌خاطر بحران خاموشی و بی‌برقی و مازوت‌سوزی و هوای ناسالم مرگبار هستیم. امروز بحث بر سر سونامی گرانی و بیکاری و فقر بی‌حد و حصر جامعه است. شرایطی که قدرت خرید اکثریت مردم هر روزه کاهش بیشتری داشته و بحران معیشتی کل جامعه را درگیر کرده و زندگی مردم هر روز بیشتر به نابودی کشیده می‌شود. امروز کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار، کارکن اداره، کشاورز، جمعیت عظیم بیکاران، دانشجوی، معلولین، مردم مناطق محروم همه‌همه فریادشان از گرسنگی و بی‌تامینی بلند است و جامعه به نقطه انفجار رسیده است. این چنین است که در متن فضای انقلابی جامعه ما با یک جنبش قدرتمند اجتماعی و گسترده بر سر معیشت و رفاه، علیه فقر و تبعیض و علیه کل بساط فساد و دزدی و سرکوبگری‌های حاکم روبرویم.

انترناسیونال: از سوی دیگر مسئله بودجه بر متن چنین اوضاع اقتصادی خود به عاملی برای اعتراضات مردم تبدیل شده است. کمبود بودجه از یک سو و اولویت‌های آن هر دو به "بحران بودجه" دامن زده است. به نظر شما جمهوری اسلامی با این اولویت‌بندی در بودجه چه سیاستی را دنبال می‌کند و مزدبگیران و تشکل‌های کارگری چگونه می‌توانند وسیعاً به این سیاست اعتراض کنند؟

شهلا دانشفر: بودجه‌های سالانه حکومتی هیچگاه پاسخی به مشکلات معیشتی جامعه نبوده است. بلکه همانطور که اشاره شد جمهوری اسلامی یک حکومت به‌غایت فاسد، رانت‌خوار و چپاولگر است که ۴۶ سال است بر سر مردم حکومت می‌کند. بودجه جمهوری اسلامی بودجه چپاول و غارت و سرکوب و جنایت است و در بودجه‌های سالانه پول‌های هنگفتی به نهادهایی چون نهادهای مذهبی، نیروهای انتظامی و سپاه، صداوسیما جمهوری اسلامی این ارگان مغزشوئی رژیم اختصاص داده می‌شود و همه اینها در تقابل با اعتراضات مردمی است.

در برنامه بودجه دولت پزشکیان برای سال ۱۴۰۴ نیز داستان از همین قرار است. به‌ویژه در فضای انقلاب جامعه و وضعیت به‌شدت به‌هم‌ریخته حکومت این موضوع برجسته‌تر است. از جمله در کوران انقلاب زن زندگی آزادی بود که در جلسه‌ای که خامنه‌ای با فرماندهان سپاه پاسداران تشکیل داد با اشاره به بی‌روحیه شدن نیروهای سرکوبگر در برابر اعتراضات

اقتصاد فروپاشیده، بحران بودجه و اعتراضات مردمی

از صفحه ۱۱

مردمی بر اختصاص بودجه بیشتر به این نیروها تأکید داشتند.

برای مثال در بودجه سال ۱۴۰۴ بودجه سپاه ۷۵ درصد افزایش داشته است. سهم صداوسیما از بودجه عمومی دولت پزشک‌یان بیش از بودجه ۱۰ وزارتخانه و حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان تعیین شده است و بخشی قابل توجهی از بودجه به حوزه‌های علمیه، جامعه المصطفی، سازمان تبلیغات اسلامی و ستاد امریہ معروف و مؤسسه آموزشی خمینی و نهادهایی از این دست اختصاص یافته است. اختصاص بودجه‌های نجومی به چنین نهادهایی وحشت حکومت از گسترش اعتراضات مردمی و فضای انفجاری جامعه و شکست‌های پی‌درپی آن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک را نشان می‌دهد.

روشن است که نفس انجماد هر روز بیشتر اختصاص بودجه به نیازهای مردمی، مشکل معیشتی جامعه را حادتر کرده است. امروز بحث بر سر ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی است. امروز بحث بر سر ناتوانی حکومت در پرداخت مزد و حقوق مزدبگیران دولتی است. بعلاوه اینکه پرور کردن نیروهای سرکوب و اختصاص بودجه هنگفت به چنین نهادهایی در جهت عقب زدن فضای انقلابی جامعه است.

این چنین است که موضوع بودجه‌بندی حکومت نیز خود بیش از هر وقت به خشم و نفرت مردم شدت داده است. از جمله یک موضوع اعتراض کارگران و جنبش بر سر معیشت و رفاه، اعتراض به همین موضوع است و امروز خود را بیش از پیش در شعارهای کف خیابانی بروز می‌دهد. شعارهایی چون "ایران پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"، "نوبت ما که میشه خزانه خالی میشه" مثال‌های گویای آن است.

انتر ناسیونال: شما به جنبش بر سر معیشت اشاره کردید و هم اکنون در ماه آخر سال تعیین حداقل دستمزدها برای سال آتی در شورای عالی کار جریان دارد و یک گفتمان بر سر نرخ سبد معیشتی کارگران است که ظاهراً مبنایی برای تعیین حداقل مزد است. در کوران این مباحث خواست افزایش دستمزد که بیان مشخص اعتراض علیه فقر و تبعیض است، جلوتر آمده است. مباحث چیست؟ ضمناً باتوجه به اینکه مشکلات معیشتی گریبان گیر نه فقط بخش‌های مختلف کارگری بلکه همه اقشار مردم شده است و امروز از کسبه و خرده‌فروشان تا حتی بخشی از بورژوازی زندگی و معیشتشان در معرض نابودی است چگونه می‌توان همه مردم را، تمام کسانی که از اوضاع اقتصادی فعلی زندگی‌شان دستخوش تغییر شده است را در ابعادی وسیع‌تر برای اعتراض به این شرایط سازماندهی کرد و به اعتراض کشاند؟

شهلا دانشفر: همانطور که جلوتر اشاره شد جنبش بر سر معیشت و علیه وضع فلاکت‌بار معیشتی گسترده و اجتماعی است. این جنبش متعین است. خواست‌های روشنی دارد از جمله خواست افزایش حقوقها برابر با رشد نرخ دلار، درمان و تحصیل رایگان برای همه، حقوق پایه برای تمامی کسانی که کم‌درآمد هستند و یا بدون درآمدند و پرداخت بیمه بی‌کاری مکفی بر همین مبنا به همه کارگران بی‌کار. همین‌طور تسهیلات لازم برای تأمین مسکن و برچیده‌شدن حقوق‌های نجومی و بساط چپاول و دزدی حاکم. اینها همه از جمله گفتمان‌های مهم این جنبش هستند. جنبشی که شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" شعار متحدکننده صف اعتراضی آن است. جنبشی که کارگر، معلم، بازنشسته، پرستاران، کولبران، سوختبران، جوانان بیکار و دانشجویان و بخش‌های مختلف جامعه در آن درگیرند و ما شاهد اعتراضات هر روزه خیابانی این بخش‌ها در کف خیابان هستیم. جنبش کارگری در صف مقدم این جنبش قرار دارد. از جمله

کارگران نفت و یا کارخانجات بزرگی چون سایپا و نیز بازنشستگان و پرستاران کانون‌های داغ اعتراضات بر سر معیشت و رفاه هستند و ابعاد این جنبش آن‌چنان وسیع است که امروز حتی بازار هم که نبض اقتصاد حکومت را مشخص می‌کند به اعتراض درآمده است.

بنابراین، این وظیفه اکتیویست‌ها و رهبران کارگری و اجتماعی است که برای اتحاد این صف بزرگ اعتراضی تلاش کنند. انتشار بیانیه‌های مشترک اعتراضی و کيفرخواستی علیه فقر و تبعیض و چپاولگری‌های حاکم از سوی تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی و به راه‌انداختن طومارهای اعتراضی بر سر همین موضوع، و بر مبنای آنها تدارک برگزاری تجمعات و اعتراضات سراسری با فراخوان‌های مشترک و قدم‌های عملی برای این کار از جمله اقداماتی است که به تقویت جنبش بر سر معیشت کمک می‌کند و نتیجه چنین اجماعی شکل دهی کارزارها و شبکه‌های اعتراضی سراسری علیه فقر و گرانی و وضع فلاکت‌بار موجود در سطح جامعه خواهد بود که خود گام مهمی در عرض‌انداز سیاسی‌تر این جنبش و پیشروی انقلابی است که یک محور مهم آن بر سر زندگی است.

در همین راستا خواست افزایش دستمزد همانطور که اشاره کردید، یک رکن مهم گفتمان‌های اعتراضی در این جنبش و بیان مشخص اعتراض علیه فقر و تبعیض به صورت یک مطالبه است. از همین رو می‌بینیم که نزدیک شدن پایان سال و روی میز قرارگرفتن بحث تعیین میزان حداقل دستمزد سال ۱۴۰۴ آن هم در فضای انقلابی جامعه و تحرک گسترده اعتراضی بر سر معیشت، مطالبه افزایش دستمزدها را جلوتر آورده است و جدالی سخت بر سر این موضوع بین حکومت و کارگران جاری است. این جدالی است که به همه مردم مربوط است. چرا که دستمزد سطح استاندارد معیشتی جامعه را تعیین می‌کند؛ بنابراین دخالت فعال همه مردم در این اعتراض مشخص بسیار ضروری و حیاتی است.

هم اکنون شورای عالی کار در طرح مسخره سه‌جانبه‌گری‌اش در پشت درهای بسته مشغول قیمت‌گذاری بر نیروی کار کارگر و چوب حراج زدن به قیمت آن است. کارگران نیز گفتمان‌های خود را دارند. از جمله یک موضوع مورد بحث هم اکنون در شورای عالی کار جمهوری اسلامی تعیین نرخ سبد معیشتی خانواده کارگری است و مثل هر سال بازی با اعداد و ارقام بر سر این موضوع به راه افتاده است. از جمله رسانه‌های حکومتی از سبد معیشتی بالای ۴۰ میلیون سخن گفتند و در همین هفته کمیته مزد شورای عالی کار مبلغ آن را رقمی حدود ۲۳ میلیون تومان نرخ‌گذاری کرد. کانون عالی شوراهای اسلامی نیز که به اسم کارگر عضوی از سپرک مسخره کمیته مزد است، قبلاً این رقم را بیش از ۲۹ میلیون تومان اعلام کرده بود و کسی مثل میرغفاری عضوی از شورای عالی کار با همراهانش کارزاری حول افزایش هفتاد درصدی دستمزد به راه انداخته‌اند که نهایتاً رقم دستمزد به پانزده میلیون می‌رسد. در برابر این بازی کثیف و نخ‌نمای هرساله، کارگران نیز گفتمان‌های خود را دارند و کل این بساط بردگی را به سخره می‌گیرند.

بویژه به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی و مشخصاً امسال گفتمان‌ها بر سر مزد متفاوت‌تر از هر سال است. این گفتمان‌ها بیان عمیق‌تری به خود گرفته است. اکنون دیگر بحث صرفاً بر سر اعلام رقم به‌عنوان اعتراض به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر نیست. بلکه کارگر می‌گوید شاخص حداقل دستمزد (مزد پایه) باید تضمین‌کننده خط زندگی باشد نه فقر؛ بنابراین کمتر از آن باید جرم محسوب شود! این حداقل به تعبیر و خواست طبقه کارگر، منطبق بر نیازهای زندگی امروزی است. کارگران در گفتمان‌های خود دارند از تضمین یک زندگی مطابق با نیازهای استاندارد شده جهان بشری کنونی سخن می‌گویند و کمتر از آن را مجاز نمی‌دانند. این تضمین‌شدن در مذاکرات مزدی خود را باید در نرخ سبد معیشت بیان کند و از این نقطه به بالا نقطه عزیمت

بیانیه‌های مشترک اعتراضی بر سر مطالبه دستمزد و علیه فقر و گرانی از سوی نهادهای کارگری و اجتماعی، طومارهای اعتراضی میلیونی بر سر معیشت، تدارک تجمعات اعتراضی بزرگ در شهرهای مختلف و تبدیل محل تصمیم‌گیری‌های شورای عالی کار به محل اعتراضات گسترده اعتراضی کارگری همگی گام‌های مهمی در جهت قدرت‌بخشیدن به اعتراضاتمان است. زندگی انسانی حق مسلم ماست.

سخنان پزشک‌های در نشستی با سران سه قوه حکومت در ۱۵ بهمن، انسان را به یاد وعده مشهور رئیسی در سه سال پیش می‌اندازد که دو هفته مانده به آخر سال گفت مشکل فقر مردم را تا آخر سال ریشه کن می‌کنیم! پزشک‌های هم در مورد نشستی که با سران سه قوه داشته می‌گوید "در جلسات که با سران قوا داشتیم موضوع معیشت مردم را پیگیری کردیم و به هر شکل ممکن تا قبل از عید نوروز وضعیت معیشت و سفره مردم را تأمین می‌کنیم و برای سال آینده آن روندی که معیشت مردم را اصلاح می‌کند را در پیش خواهیم گرفت تا بتوانیم پاسخگوی مردم باشیم".

پزشک‌های در رأس حکومتی است که سیاست‌های اقتصاد را تماماً نابود و فلج کرده است و کارش به جایی رسیده است که حداقل شرایط اداره جامعه را هم از دست داده و تنها راهی که برایش مانده این است که گورش را گم کند و مردم را راحت بگذارد. معضل سقوط ارزش ریال و افت هر روزه قدرت خرید مردم و مشکلات و معضلاتی نظیر قطعی برق و گاز و همچنین مازوت‌سوزی، ریشه در وضعیت فلج اقتصادی جمهوری اسلامی دارند و قطعاً هر روز بدتر خواهند شد.

یک‌مشت آخوند مولتی‌میلیاردر و دزدان نجومی بر اقتصاد کشور چنبره زده‌اند و با ثروت‌های هر تک نفر آنها می‌توان معضلات معیشتی میلیون‌ها نفر را حل کرد. اما چه کسی اراده و جرئت دست‌زدن به این ثروت‌ها را دارد؟ پزشک‌های می‌تواند مثل رئیسی وعده‌های توخالی‌اش را بدهد. اما مردم کاملاً می‌دانند که راه حل گرانی و بی‌برقی و بی‌گازی و حتی کنارزدن تحریم‌ها چیست. مردم این راه را انتخاب کرده‌اند که انقلابی مثل انقلاب زن زندگی آزادی است و بدون تردید خیلی زود اعتراضات کنونی به صورت خیزش‌ها و انفجارات فوران می‌کند و کار این نیروی غارتگر و جنایت‌کار را تمام خواهد کرد. در این صورت است که معضلات معیشتی و حقوقی و سیاسی و رفاهی و محیط زیستی مردم می‌تواند حل شود.*

چانه‌زنی آنان با نمایندگان سرمایه خواهد بود. از جمله شورای بازنشستگان ایران در بیانیه خود در مورد دستمزد با تأکید بر همین نکات می‌نویسد: این مهم است که قانون اجازه ندهد هیچ مزدبگیری کمتر از «هزینه واقعی سبد معیشت» را دریافت کند. و همان جا اشاره به این دارد که در ایران هزاران دختر و پسر جوان را با ترندهای مزد توافقی، یا منطقه‌ای از زیر پوشش قانون کار بیرون می‌آورند تا حداقل مزد را به آنان ندهند و حتی معلمان خرید خدمت و پاروقت را زیر حداقل دستمزد مصوب، حقوق می‌دهند.

از سوی دیگر پرستاران می‌نویسند که افزایش دستمزد و همه متعلقاتش باید بر مبنای رشد صعودی قیمت دلار تعیین شود و دستمزد کمتر از ۶۰ میلیون تومان زیر خط فقر است و بالاخره در صنف مقدم اعتراض بر سر دستمزد کارگران نفت به‌ویژه کارگران ارکان ثالث قرار دارند که در این چندماهه با شعارهایی چون "شورای عالی کار یک‌مشت مفت خور بی‌کار"، "شورای عالی کار نمی‌خواویم، نمی‌خواویم"، "یک کلام، یک کلام، حقوق بدون تبعیض و السلام" تجمعات اعتراضی بزرگی داشته‌اند. خانواده‌ها شرکت فعالی داشته‌اند و در مناطق مختلف نفتی کارگران با تجمعات و راهپیمایی اعتراضی خود پیش‌تاز این عرصه از اعتراض بوده‌اند. در کنار همه اینها بازنشستگان را داریم که با شعار "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" کل جامعه را به اتحاد مبارزاتی فرامی‌خوانند.

این اعتراضات، ابعاد فقر و فلاکتی که جامعه را به مرز انفجار رسانده است، موقعیت تضعیف شده و درهم‌ریخته حکومت همه‌وهمه حاکی از این است که می‌توان با سازمان‌یافتگی و متحد کردن این صف بزرگ اعتراضی، راه را برای اعتصابات بزرگ کارگری و تجمعات اعتراضی سراسری فراهم‌تر کرد و به اعتراضات گسترده مردمی در فضای انقلابی جامعه قدرت بخشید و باز این دست فعالین و رهبران کارگری و اجتماعی را می‌بوسد که این گام مهم را به جلو بردارند. در این میان جنبش کارگری آماده‌ترین بخش برای ایجاد شبکه‌های سراسری اعتراضی خود و تبدیل شدن به سنگری برای پیوستن بخش‌های مختلف جامعه به اعتراض علیه فقر و گرانی هستند.

زنده‌باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

دیگر نمی‌پذیریم که یک اقلیت مفت‌خور و بی‌منطق و بی‌خاصیت بر ما حکومت کند. در این جامعه دیگر جایی

برای تحمیل دیکتاتوری و مفت‌خوری و اختلاس و فساد و حاکمیت قوانین مذهبی و اسلامی نیست.

انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و تحزب و اعتصاب،

یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات

اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم و کاست ما با ادامه انقلابمان به

کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

دستگیرشدگان دهدشت باید فوراً آزاد شوند!

اعتراض و انقلاب علیه حاکمین جنایت کار حق مردم است!

نابرابری و سرکوب و بی حقوقی است، اعتراض به بی حقوقی زنان و مردم ستمدیده در سراسر کشور است و دستگیرشدگان این اعتراضات باید مورد حمایت همه جانبه همه مردم قرار گیرند. خواست آزادی فوری و بی قید و شرط عزیزان زندانی دهدشت را همه جا فریاد بزنیم. در اجتماعات و بیانیه ها، در طومارها و شعارنویسی ها و در داخل و خارج کشور اعلام کنیم که دزدان و جنایت کاران حاکم حق زندانی کردن مردم معترض را ندارند. این سران تبهکار حکومت اند که باید دستگیر و به جرم فساد و دزدی و جنایت، به جرم تحمیل فقر و محرومیت به اکثریت مردم و به جرم تحمیل یک حکومت عقب مانده و مستبد اسلامی دستگیر و در دادگاه های مردمی مورد محاکمه قرار گیرند.

کلیه معترضین دهدشت و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ اسفند ۱۴۰۳، ۲۶ فوریه ۲۰۲۵

در جریان سه روز اعتراض مردم دهدشت به فقر و گرانی و سایر مشکلات اقتصادی و اجتماعی در روزهای ۲۳ تا ۲۵ بهمن امسال حداقل ۱۲ نفر به اتهام اخلال در نظم عمومی دستگیر شده اند که همچنان در زندان به سر می برند.

اسامی دستگیرشدگان شهرام نورانیان، شهریار حشمت نسب، رضا یگانه، حسین پریسای، علیرضا پریسای، حمید پریسای، احمد نورمحمدی، عاطفه طاهرینیا، امیرحسین جعفری ۱۷ساله، کامران بوذری ۶ساله، جابر فروغی و پوریا براتی، اعلام شده است. در میان بازداشت شدگان احمد نورمحمدی به اتهام "لیدری اعتراضات" در شکنجه گاه امنیتی اطلاعات سپاه نگهداری می شود.

اعتراض بحق مردم دهدشت، اعتراض همه مردم ایران است. نشان دهنده فضای انفجاری جامعه علیه دزدها و میلیاردرهای حاکم است. اعتراض به انگل های حاکم است که همه امکانات مملکت را در اختیار خود قرار داده اند و فقر و محرومیت غیر قابل توصیفی به اکثریت مردم تحمیل کرده اند، اعتراض به گرانی، به فساد حاکم، به تبعیض و

پیش به سوی ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات

جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار گرفته و صفوفش در حال به هم ریختن است. زمان آن فرارسیده است که همه جا خود را متشکل کنیم. شوراهای سازماندهی یک ضرورت عاجل در شرایط کنونی و یک شیوه مهم سازماندهی در همه کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی، و در محلات همه شهرها است. رژیم در ضعیف ترین موقعیت خود قرار گرفته و شرایط برای متشکل شدن از همیشه آماده تر است.

شوراهای سازماندهی در نفت، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان الگوهای مناسبی برای ایجاد این شوراها در همه مراکز کارگری و در محلات مختلف شهرها است. شوراهای سازماندهی اعتراضات ابزار مناسبی برای متحد نگه داشتن مردم و هدایت اعتراضات و اعتصابات است. ابزار مهمی برای متحد کردن و متشکل کردن مردم حول شعارهای آزادی خواهانه و متحدانه و جلوگیری از شعارهای انحرافی است. ابزار دخالت توده های وسیع مردم و ابزار مؤثری در ادامه کاری مبارزه است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری، جوانان معترض و همه بخش های جامعه را فرامی خواند که در هر شهر و محلی که می توانند، دست به کار ایجاد شوراها شوند. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت می کند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال می کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

بازگشت راست در انتخابات آلمان

مهران محبی

در انتخابات ۲۰۲۵ آلمان به ترتیب، حزب دموکرات مسیحی بیش از ۲۸ درصد، حزب راست افراطی ۲۰ درصد، حزب فعلاً در

قدرت سوسیال دموکرات ۱۶ درصد، حزب سبزها بیش از ۱۱ درصد و حزب چپ نزدیک به ۹ درصد آرا را به خود اختصاص دادند.

فعلاً مابه‌ازای کسب قدرت صدراعظمی آلمان معلوم نیست. هیچ حزبی نتوانسته است به‌تنهایی میزان آرای لازم برای به‌قدرت رسیدن را کسب کند و تماماً باید بین دو یا چند حزب ائتلاف صورت بگیرد.

موضوع شکل‌گیری احتمالی ائتلاف و قبضه کردن قدرت که راست و راست افراطی به قدرت برسد یا چپ و میانه، برای مردمی که در آلمان و در اروپا زندگی می‌کنند مهم است. مردم با به‌اصطلاح چپ و راست شدن نوع حاکمیت و سیاست‌گذاری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی، زندگی‌شان دستخوش تغییرات محسوسی می‌شود.

معلوم است که این تحولات روبرو عقب یک‌شبه اتفاق نیفتاده و عوامل و ریشه‌های سیاسی و اقتصادی تاریخی‌ای دارند که پرداختن به آنها بسیار مهم است. این چرخش‌های سیاسی و دست‌به‌دست شدن قدرت از احزاب و جریان‌های میانه به راست افراطی دیروز در آمریکا و امروز به‌احتمال زیاد در آلمان حاصل همان فاکتورها و عوامل سیاسی و اقتصادی هستند.

شکست انقلاب اکتبر روسیه و غالب شدن استالینیسیم (سرمایه‌داری دولتی) بر اردوگاه منتسب به کمونیسم که بعد از جنگ جهانی دوم زمینه را برای جان گرفتن مکتب فرانکفورت و ظهور مارکسیسم دانشگاهی و منفعل در عرصه سیاسی فراهم کرد، از اصلی‌ترین عوامل سیاسی بازگذاشتن دست سرمایه‌داری برای یورش‌های امروز به دست‌آوردهای طبقه کارگر متأثر از انقلاب روسیه است. جنگ جهانی دوم از نظر اقتصادی دوره‌ای از رشد بی‌سابقه برای بازسازی اقتصادهای سرمایه‌داری پیشرفته را فراهم کرد که در نتیجه این رشد اقتصادی، سرمایه‌داری توانست برای یک دوره بر بحران‌هایش فائق آید و با دادن امتیازاتی به طبقه کارگر و ایجاد دولت‌های رفاه یک تعادل اجتماعی موقت برقرار کند. این امتیازات به‌طور گسترده‌ای باعث رشد دیدگاه‌های "اصلاح‌طلبانه" و توهّمات به سرمایه‌داری در کشورهای پیشرفته شد. به‌طوری‌که نظریه نفی مبارزه طبقاتی در نتیجه غلبه سرمایه‌داری بر تضادهای خود از طریق به‌کارگیری "فوردیسم" (نظام تولیدی - صنعتی برنامه‌ریزی‌شده و مکانیزه) را در احزاب چپ غربی تقویت کرد.

این دیدگاه مکتب "فرانکفورت" و "اگزستانسیالیسم" بود که در آن دوره "شیوع" پیدا کرد. دیدگاهی که باور داشت سرمایه‌داری مدرن راه‌هایی را برای گریز از بحران ابداع کرده و بر تضادهای خود غلبه یافته است. دلایل هم این بود که با عبور سرمایه‌داری از مرحله صنعتی - تولیدی به مالی و مصرفی، طبقه کارگر را به شکل یک طبقه مصرف‌کننده و منفعل در جامعه مرفه در سیستم ادغام کرده و با غالب کردن فرهنگ و ایدئولوژی خود، آن را به طبقه‌ای که ذاتاً در خدمت منافع سرمایه‌داری باشد تبدیل کرده است.

این نظر که طبقه کارگر تطمیع و محافظه‌کار شده و به‌این ترتیب انقلاب سوسیالیستی غیرممکن است، همچنان دیدگاه غالب احزاب کمونیست دانشگاهی و "یوروکمونیست" است و هنوز حزبی که به مارکسیسم واقعی مسلح باشد و با ماتریالیسم تاریخی (که عامل تعیین‌کننده تاریخ را تولید و بازتولید زندگی می‌داند)، تکامل تاریخ جوامع بشری را توضیح دهد، تشکیل نشده که طبقه کارگر را در سطح سیاسی نمایندگی کند و مبارزات و انقلابات کارگری را رهبری کند. در نتیجه این خلأ احزاب سیاسی سازمان‌یافته و متحزب کمونیستی - کارگری است که بیش از یک قرن است تقابل عملی طبقه کارگر با سرمایه‌داری به "سندیکالیسم" (مبارزه در چهارچوب وضع

موجود) تقلیل یافته و در سطح سیاسی نیز احزاب چپ فاقد هر نوع رادیکالیسمی تنها به دنباله‌روی از بخش چپ سرمایه‌داری (سوسیال‌دمکراسی) اکتفا کرده‌اند.

اما با وجود گسترش سایه دیدگاه‌های "فرانکفورتی" و "اگزستانسیالیستی" بر احزاب چپ اروپایی و بر خلاف نظرات آنها که سرمایه‌داری بر تضادهای خود غلبه کرده و مبارزات و انقلابات کارگری منتفی شده‌اند، مبارزات و انقلابات کارگری از دهه ۷۰ قرن بیستم تا امروز ثابت کرده‌اند که سرمایه‌داری تنها با تضادهای خود قادر به ادامه حیات است و مبارزات و انقلابات کارگری نیز همچنان تا سرنگون کردن سرمایه‌داری و ازین‌بردن تضادهای درون آن و رهایی بشریت ادامه خواهند یافت.

بنابراین، نه آموزه‌های انفعالی مکتب چپ دانشگاهی و پارلمان‌نشین غرب و نه سیاست‌های مکتب اقتصاد بازار آزاد و جهانی‌سازی اقتصاد نتوانستند برای گریز سرمایه‌داری از تضادها و بحران‌ها و ایجاد تعادل اجتماعی در جوامع کارساز باشند. اعتصاب یک‌ساله و بزرگ معدنچیان انگلیس در زمان زمامداری تاجر (یکی از معماران اقتصاد بازار آزاد) در اعتراض به تعطیلی معادن زغال‌سنگ که ۲۶ میلیون نفر را بیکار کرده بود و به راه‌افتادن جنبش اشغال "وال استریت" به دنبال بحران ۲۰۰۸ در آمریکا در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ که به مدت ۶ ماه خیابان‌ها را اشغال کرد، از نمونه‌های برجسته ناتوانی سرمایه‌داری در ممانعت از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است و همچنین در میدان عمل ثابت شد که ده‌ها سال تلاش تبلیغاتی و تئوری‌بافی‌های ایدئالیستی برای نفی و انکار طبقه کارگر به‌عنوان بدیل سرمایه‌داری و نفی مبارزات و غیرممکن بودن انقلاب سوسیالیستی پوچ و بی‌حاصل بوده است.

این وقایع به‌خوبی نشان دادند که رونق سرمایه‌داری ابدی نیست و اضافه‌تولید در دوران رونق ناگزیر بحران را به دنبال می‌آورد و هنگامی که دوره رونق در اقتصاد سرمایه‌داری به پایان می‌رسد و بحران آن شروع می‌شود، مبارزات کارگری شدت می‌گیرند و آگاهی طبقاتی تقویت می‌شود.

ظهور مجدد راسیسم و نژادپرستی در غرب که با شعارها و وعده‌های ناسیونالیستی و رونق بخشیدن به اقتصاد سرمایه‌داری ملی همراه است در ادامه همین دوره نسبتاً طولانی از غیبت چپ و کمونیسم کارگری متحزب و سازمان‌یافته در صحنه اصلی سیاست از یک‌طرف و از طرف دیگر به بن رسیدن مدل‌های مختلف سرمایه‌داری در گریز از بحران و حتی ناتوانی‌شان در حل بحران اقتصادی است.

اما این پایان کار نیست و جمعیت بیش از ۸ میلیاردنفری جهان نمی‌تواند همچنان در گرداب این سیکل‌ها و چرخش‌های مضر، مخرب و تباہ‌کننده زندگی دست‌وپا بزند و کاری برای خود انجام ندهد.

دنیا برای نجات خود ناچار است که وسیعاً به مارکس رجوع کند. طبقه کارگر و اکثریت بشریت روی کره زمین که سهمی بیشتر از فقر، گرسنگی و گوشت دم توپ جنگ‌های ارتجاعی شدن از دنیای تحت حاکمیت سرمایه‌داری ندارند درحالی‌که هم‌زمان امکان می‌دهند میلیاردها دلار در هر ساعت فقط به سرمایه‌های چند نفر اضافه شود، مجبور است به این اوضاع پایان دهد و پایان خواهد داد.

دوره بن‌بست و بحران سرمایه‌داری و بازگشت ناسیونالیسم و فاشیسم، همچنان که در اوج بحران ۲۰۰۸ شاهد آن بودیم، دوره بازگشت کمونیسم مارکس به عرصه سیاست و دخالتگری نیز خواهد بود تا با سازماندهی و رهبری مبارزات طبقه کارگر به سوی انقلاب سوسیالیستی به لجززار موجود پایان دهد.*

کمپین یک ماهه جمع آوری ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی!

امسال هم کمپین مالی حزب را با امید به کمک‌های شما مردم شریف و آزاده شروع می‌کنیم. کمک‌های شما تا کنون به ما امکان داده است که فعالیت‌های گسترده‌ای را در همه عرصه‌های مبارزه در داخل و خارج کشور علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی و برابری و در دفاع و ادامه انقلاب زن زندگی آزادی به‌پیش ببریم.

تلاش شبانه‌روزی ما در داخل و خارج کشور این است که صفوف مردم معترض و انقلابی را حول خواست‌ها و آرمان‌های عمیق انسانی متحد و متشکل کنیم. ما فعالیت‌های گسترده و پی‌وقفه‌ای را همراه با هزاران فعال جنبش‌های مختلف اجتماعی برای تقویت این جنبش‌ها و برای متحد و متشکل کردن این جنبش‌ها در مقابل جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف مبارزه به‌پیش می‌بریم. از مبارزه برای دفاع از حرمت و حقوق کودک تا مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی و گسترش جنبش آزادی زن، از مبارزه علیه مجازات اعدام و متوقف کردن اعدام‌ها تا فعالیت برای آزادی زندانیان سیاسی، از دفاع از آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی تا تلاش برای متحد کردن کارگران، معلمان، بازنشستگان، دادخواهان، پرستاران، دانشجویان و دفاع از حقوق ال جی بی تی کیو پلاس‌ها و حفظ محیط‌زیست، تا دفاع از حقوق پناهندگان و از سازماندهی تظاهرات‌ها در خارج کشور تا مبارزه علیه اسلام سیاسی و برای بایکوت سیاسی و اخراج جمهوری اسلامی از نهادهای بین‌المللی و اکنون طبق سنت هر ساله، موعد آن فرارسیده تا برای ادامه و گسترش این فعالیت‌ها، از جمله اداره تلویزیون کانال جدید که ۲۴ ساعته که از دو ماهواره پخش می‌شود، شما را به حمایت مالی از حزب کمونیست کارگری دعوت کنیم.

ما دست یاری به‌سوی همه مردم شریف و آزاده، از کلیه فعالینی که در داخل و خارج کشور به امر متحد و متشکل کردن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی مشغول‌اند، کلیه مردمی که با حزب کمونیست کارگری و فعالیت‌ها و سیاست‌هایش آشنایی دارند و آن را نیروی مؤثر و مثبتی در امر رهایی می‌شناسند دراز می‌کنیم تا در کنار هم و با قدرتی بیشتر این مبارزه را به سرانجام برسانیم.

امیدواریم بتوانیم طی یک ماه از ۱۵ فوریه تا ۱۵ مارس (۲۷ بهمن تا ۲۷ اسفند) حداقل مبلغ ۱۵۰ هزار دلار جمع‌آوری کنیم. سال‌های گذشته نیز کمپین مالی سالانه ما به لطف حمایت شما موفق به جمع‌آوری بیش از ۱۰۰ هزار دلار شد. امیدواریم امسال از این مبلغ فراتر برویم. طبق معمول آمار و ارقام این کمپین برای اطلاع عموم منتشر خواهد شد.

پیشاپیش دست همه عزیزانی که با کمک‌های خود به ادامه و گسترش فعالیتی وسیع برای متحد کردن صفوف مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق جامعه انسانی در ایران یاری می‌رسانند را به گرمی می‌فشاریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ فوریه ۲۰۲۵

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق شماره حساب‌های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید:

شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:

Sweden

NordeaPlusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج: سیامک بهاری ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی: بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

اطلاعه‌های هفته اخیر

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و بهورزان میناب

شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد

امروز پنجم اسفندماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به فقر و گرانی و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود و علیه اختلاس و دزدی و سرکوبگری‌ها در شهرهای تهران، شوش و اهواز تجمع کردند.

در تهران بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع کردند و در دست‌نوشته‌هایی با مضامین "افزایش دستمزد طبق سبب معیشت و تورم و خروج از زیر خط فقر"، "اجرای ماده ۹۶ و ۴۱ قانون کار" و "درمان رایگان" اعتراضشان را علیه فقر و گرانی اعلام کردند.

در شوش بازنشستگان مثل هر هفته از کرخه، هفت‌تپه و شوش تجمع و راهپیمایی داشتند و بار دیگر با خواندن سرود "زیر بارستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی، مرگ بر این بندگی، مرگ بر این زندگی" زندگی‌ای انسانی را فریاد زدند. شعارهای اعتراضی دیگر این بازنشستگان عبارت بودند از: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "عیدی گداگونه، نمی‌خوایم، نمی‌خوایم"، "کشور پر درآمد، چه بر سر تو آمد"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "از خوزستان تا گیلان مرگ بر این مدیران"، "تأمین رو غارت کردن، ما را بیچاره کردن"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون".

بازنشستگان در اهواز با دست‌نوشته‌هایی چون "حقوق ما ریالیه، هزینه‌ها دلاریه"، "خط فقر بالای ۵۰ میلیون"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد و فریاد شعارهایشان مقابل استانداری تجمع اعتراضی بر پا کردند. بازنشستگان از جمله شعار می‌دادند: "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند"، "نوبت ما که میشه خزانه خالی میشه"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "تأمین رو غارت کردن، ما را بیچاره کردن"،

در اصفهان بازنشستگان فولاد و معدن در خیابان نشاط دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این تجمع بازنشستگان شعار می‌دادند: "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"، "نه مجلس نه دولت، نیستن به فکر ملت".

اعتراضات علیه فقر و گرانی گسترده است. پرستاران و کادر درمان یک بخش معترض جامعه هستند که با اعتراضات پیوسته خود پیگیر مطالباتشان هستند. روز گذشته بهورزان شهرستان میناب در هرمزگان در اعتراض به تبعیض‌های حقوقی و بی‌عدالتی در پرداخت‌ها، در محل برگزاری آزمون سالانه بهورزی در دانشگاه پیام‌نور تجمع کردند و خواستار پرداخت معوقات و برقراری ترمیم و احتساب ۲ سال سنوات خدمتی حقوق شدند. بهورزان افرادی هستند که در خانه‌های بهداشت روستایی و درمانگاه‌های مناطق محروم و کم‌جمعیت، به انجام امور اولیه پزشکی و کمک‌های اولیه اشتغال دارند. در تجمع اعتراضی روز گذشته بهورزان شعار می‌دادند: "معیشت پرستار، سلامتی بیمار"، "تورم دلاری، حقوق ما ریالی"، "فقط کف خیابان به دست میاد حقمان"

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴۰۳، ۲۳ فوریه ۲۰۲۵

تجمع پرستاران و کادر درمان در زنجان و اصفهان
"دلار شده ۱۰۰ تومن، اضافه کار ۲۰ تومن!"

امروز چهارم اسفند پرستاران زنجان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود در مقابل استانداری تجمع و اعتراض کردند.

اعتراضات بخش‌های مختلف پرستاران هر روزه است. در این هفته پرستاران در بیمارستان‌های مشهد، بیمارستان بهشتی کاشان، بیمارستان میلاد تهران و پزشکان بخش بهداشت استان هرمزگان تجمع و اعتراض داشتند. پرستاران و کادر درمان در روز سی‌ام بهمن‌ماه نیز در بیمارستان الزهرا در اصفهان در اعتراض به پرداخت تبعیض آمیز و غیرعادلانه تعرفه، کارانه و اضافه‌کار و سطح نازل دستمزد و سایر مطالباتشان تجمع داشتند و با شعار "دلار شده ۱۰۰ تومن، اضافه‌کار ۲۰ تومن!" اعتراض خود را به سونامی گرانی که زندگی و معیشت کل جامعه را به نابودی کشانده است، صدای اعتراضشان را بلند کردند.

اهم مطالبات پرستاران و کادر درمان عبارت‌اند از: افزایش حقوقها متناسب با افزایش نرخ دلار و متناسب با تورم، حذف کامل اضافه‌کاری‌های اجباری و بهبود کار کادر درمان و افزایش نرخ اضافه‌کاری‌های توافقی متناسب با افزایش دلار و تورم، بازگشت به کار و استخدام پرستاران اخراجی، اصلاح نظام پرداخت و رفع تبعیض، ارتقای تعرفه‌های پرستاری بر اساس افزایش تورم و...

به گفته پرستاران دستمزد کمتر از ۶۰ میلیون تومان با دلار بالای ۹۰ هزار، مطلقاً کفاف حداقل زندگی را نمی‌دهد. آنها خواستار افزایش فوری دستمزد هایشان هستند.

خواست افزایش دستمزدها، خصوصاً با افزایش نجومی نرخ دلار و سقوط ارزش ریال و سونامی گرانی یک خواست سراسری در کل جامعه است. به‌ویژه در ماه‌های آخر سال و شروع کار کمیته مزد جمهوری اسلامی برای تعیین حداقل دستمزدها برای سال آتی این موضوع به بحث داغی در میان کارگران تبدیل شده است. اعلام سبب معیشتی ۲۴ میلیونی از سوی این کمیته به‌عنوان مبنایی برای تعیین میزان حداقل دستمزدها با موجی از اعتراض روبرو شده است. در اعتراض به آن شورای بازنشستگان ایران می‌نویسد "طبقه کارگر ایران سبب معیشتی ۲۴ میلیونی تعیین شده را قبول ندارد. وقتی حداقل هزینه یک ماه برای یک خانوار ۴ نفره بیش از ۶۰ میلیون تومان است، با حقوق یک‌سوم زیر خط فقر چگونه باید زیست؟! هزینه‌های واقعی زندگی در سبب معیشت باید مبنایی تعیین مزد باشد. افزایش آن طبق تورم در طول سال باید بررسی و اجرا شود. در شرایطی که زندگی می‌کنیم و ارزش پول دائم در حال کاهش است، افزایش مزد یکبار در سال قابل قبول نیست".

حزب کمونیست کارگری همه بخش‌های کارگری را به اعتراض متحدانه برای دفاع از حقوق و معیشت انسانی و علیه زدن چوب حراج بر نرخ نیروی کار کارگران در سیرک مسخره شورای عالی کار فرامی‌خواند. با بیانیه‌های مشترک کارگری صف اعتراض خود را علیه بساط فقر و فساد حاکم و تعرضات معیشتی حکومت شکل دهیم. زندگی انسانی حق مسلم ماست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴۰۳، ۲۲ فوریه ۲۰۲۵

تجمع کارگران شرکت صنعتی سایپا و اخباری دیگر کارگر، معلم، اتحاد اتحاد

امروز دوشنبه ششم اسفندماه کارگران شرکت صنعتی سایپا سیتروئن کاشان در اعتراض به مزد و مزایای پایین و مشکلات معیشتی خود و عدم اجرای طبقه‌بندی مشاغل دست به اعتصاب و تجمع زدند.

همچنین بنا بر گزارشات تکمیلی بازنشستگان تأمین اجتماعی در روز گذشته علاوه بر شهرهای شوش، اهواز و تهران در رشت و شوشتر نیز تجمع اعتراضی بر پا کردند. همچنین بازنشستگان فولاد در اهواز نیز تجمع داشتند. در شوشتر بازنشستگان معترض شعار می‌دادند "بازنشسته بپا خیز، وقت نشستنت نیست"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "ما بازنشستگانیم دنبال حقمانیم"، "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم"، "سالاری دروغگو، حاصل وعده‌هاست کو".

در رشت نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی با شعارهایی همچون "کارگر، معلم، اتحاد اتحاد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "از خوزستان تا گیلان ننگ بر مدیران"، "از گیلان تا ایران اتحاد اتحاد" اعتراض خود را علیه سرکوبگری‌های حکومت فریاد زده و بر اتحاد صفوف اعتراضی مردمی در سطح سراسری تأکید کردند.

- معصومه عسگری معلم زندانی بابت اتهاماتی از جمله تبلیغ در قالب همکاری با گروه‌های ضد نظام و عضویت در گروه‌های مخالف نظام به سه سال حبس محکوم شده است. همچنین کبری طاهرخانی از معلمان قزوین با ۲۶ سال سابقه که هم اکنون مدیریت دوره اول متوسطه دبیرستانی را بر عهده دارد با پرونده‌سازی سازمان اطلاعات سپاه، به اتهام "توهین به رهبری" و "تبلیغ علیه نظام" برای هجدهم اسفندماه جهت محاکمه به دادگاه احضار شده است. او هم‌زمان طی ابلاغیه‌ای به تاریخ ۲۹ بهمن به دلیل مطالب صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام به اتهامات "نشر اکاذیب" برای محاکمه در تاریخ ۸ اسفند به دادگاه کیفری ۲ شعبه ۱۰۸ قزوین احضار شد. یک کارزار مهم معلمان و کارگران پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص مسدود شدن پرونده‌های امنیتی برای همه فعالین سیاسی و آزادی بدون قید و شرط معلمان، کارگران و تمامی زندانیان سیاسی است.

از سوی دیگر اعاده دادرسی بهروز احسانی اسلاملو و مهدی حسنی دو زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زندان قزل‌حصار کرج، توسط دیوان عالی کشور رد شده و پرونده آنان به اجرای احکام ارجاع داده شده است. بدین ترتیب در حال حاضر پخشان عزیز، وریشه مرادی، شریفه محمدی، بهروز احسانی و مهدی حسنی در خطر اعدام هستند. وسیعاً به کارزار جهانی نه به اعدام ببیندیم و به نجات این عزیزان بشتابیم. تمامی احکام اعدام باید لغو و مجازات اعدام تحت هر عنوانی باید لغو شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ اسفند ۱۴۰۳، ۲۴ فوریه ۲۰۲۵

اعتراض متحدانه کارگران رسمی نفت و بازنشستگان شرکت ملی مناطق جنوب

بنا بر گزارشات منتشر شده روز گذشته ۵ اسفند کارگران رسمی شاغل در شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در ادامه اعتراضاتشان مقابل ساختمان اداری این شرکت تجمع داشتند و زمانی که کارگران بازنشسته برای پیوستن به همکاران خود به محوطه شرکت رفتند نیروهای امنیتی مانع ورود آنان شده و درهای شرکت را به روی آنها بستند. در واکنش به این اقدام کارگران رسمی در حمایت از همکاران بازنشسته خود در سمت درب اصلی تجمع کردند و طی سخنانی این اقدام را محکوم کرده و بر ضرورت اتحاد و همبستگی تأکید کردند. تجمع‌کنندگان نیز با شعار "اتحاد اتحاد" گفته سخنرانان را همراهی کردند و علیه دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی شعار دادند "صندوق را غارت کردند، ما را بیچاره کردند".

کارگران بازنشسته در روزهای گذشته در همین رابطه و در اعتراض به پایین بودن مقرری بازنشستگی و کاهش هر روزه قدرت خرید خود تجمعاتی داشته‌اند.

اهم مطالبات کارگران رسمی عبارت‌اند از: حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران، بازگرداندن مالیات‌های وضع شده مطابق با قوانین موجود، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن.

اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه گرانی و فقر و بی‌تامینی بخش‌های مختلف جامعه را دربر گرفته است. اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد شعار متحدکننده صفوف این اعتراضات است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ اسفند ۱۴۰۳، ۲۴ فوریه ۲۰۲۵

ادامه اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر سایپا، کادر بیمارستان آریا و اخباری دیگر

امروز سه‌شنبه هفتم اسفندماه کارگران شرکت صنعتی سایپا برای دومین روز پیاپی دست به اعتصاب و تجمع زدند. این اعتصاب در اعتراض به پایین بودن دستمزد و مزایا و مشکلات معیشتی کارگران و عدم اجرای طبقه‌بندی مشاغل جریان یافته است. در این حرکت اعتراضی بیش از سه هزار کارگر معترض این شرکت با فریاد "نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم" صحنه پر شوری از اعتراض را آفریدند. اعتصاب و اعتراضات کارگران ادامه دارد.

پرستاران و کارکنان اداری و خدماتی بیمارستان آریا در اهواز نیز در دومین روز اعتراض خود به کاهش حقوق ماهیانه و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان دست از کار کشیده و تجمع کردند. طبق خبر مسئولان بیمارستان بخشی از حقوق پرداختی را کاهش داده‌اند تا از آن برای پرداخت عیدی استفاده کنند و قرار است در سال جدید، حقوق‌ها مجدداً به میزان قبلی بازگردد. افزایش حقوقها مطابق با صعود نجومی نرخ دلار خواست اعلام شده پرستاران است.

همچنین صدای اعتراض داروسازان به دلیل به ورشکستگی کشیده شدن داروخانه‌ها بلند شده است. طبق گزارشات هشت ماه است که بیمه‌ها به تعهدات خود در قبال داروسازان عمل نکرده‌اند. چرخه بحران در سیستم سلامت به واسطه عدم پرداخت دیون دولت به بیمه‌ها خصوصاً تأمین اجتماعی مدت‌هاست شروع شده است. پرستاران، کادر درمان و مردم می‌گویند مسئولیت این بحران و فشارهای آن با دولت است. این مردم هستند که هم جیبشان و هم سلامتشان مستقیماً به خطر افتاده است.

در این روز همچنین کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" هفته پنجاه و هفتم را پشت سر گذاشت و با پیوستن زندان چوبیندر قزوین دامنه‌اش به ۳۷ زندان کشور کشیده شد. در بیانیه این کارزار ضمن اشاره به تداوم اعدام‌ها و قتل‌های سیستماتیک زندانیان بیمار به دلیل عدم رسیدگی پزشکی به‌موقع، و نیز رد اعاده دادرسی زندانیان سیاسی مهدی حسنی و بهروز احسانی - که پیش‌تر به اعدام محکوم شده بودند - از سوی دیوان عالی کشور و خطر اعدام قریب‌الوقوع آنان و شرایط هولناک برای زندانیان چون پخشان عزیز و وریشه مرادی در زندان اوین، شریفه محمدی در زندان لاکان رشت و بسیاری دیگر، بر اتحاد گسترده علیه اعدام‌ها تأکید شده است. اعضای این کارزار همچنین خواهان آزادی تمامی داخواهان در بند، به‌ویژه خانم ناهید شیرپیشه - معلم دادخواه و مادر جان‌باخته زنده‌یاد پویا بختیاری، معترض آبان ۹۸ - شده است. در آخر اعضای این کارزار، تمامی احکام اعدام، صرف‌نظر از اتهامات منتسب به محکومان را قویاً محکوم کرده و اعلام می‌کنند که برای پیشگیری و لغو مجازات اعدام در ایران از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد.

اعتراض بر سر معیشت و علیه فقر و گرانی گسترده است و ابعادی اجتماعی دارد. روز گذشته بازنشستگان مخابرات در اهواز همانند هفته‌های

کرده‌اند که تا وقتی این مشکل رفع نشود به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. حقوقهای نازل و دزدی‌ها و چپاولگری‌ها همچنان موضوعات اعتراض کارگران نیشکر هفت‌تپه است.

- در ششم اسفندماه کارگران معدن زغال‌سنگ "برناکی"، وابسته به شرکت زغال‌سنگ "البرز شرقی" در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و عیدی، وضعیت سخت معیشت زندگی و پایمال شدن حقوق خود تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ اسفند ۱۴۰۳، ۲۶ فوریه ۲۰۲۵

تجمع بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما، کارگران پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر و خانواده‌های محکوم‌به‌اعدام در قزل حصار

بازنشستگان هواپیمایی هما

- امروز چهارشنبه هشتم اسفندماه بازنشستگان شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) در اعتراض به تصرف اموال و دارایی‌های صندوق بازنشستگی خود و این اختلاسگری آشکار مقابل وزارت تعاون تجمع کردند. تجمع کنندگان با سردادن شعارهای اعتراضی خود بر توقف این اقدام چپاولگرانه تأکید کردند. بنا بر گزارشات مدیران صندوق بازنشستگی کشوری در حال واگذاری هواپیمایی چابهار از صندوق هما به هلدینگ آتیه صبا هستند و این تصمیم خودسرانه تاکنون به ۱۰ هزار کارمند و ۱۳ هزار بازنشسته هما لطمه زده است.

کارگران پایانه‌ها و مخازن ماهشهر

صبح امروز کارگران پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر در ادامه تجمع اعتراضی روز گذشته با خواست استخدام در شرکت در محوطه شرکت به اعتراض خود ادامه دادند. به گفته کارگران بعد از گذشت چند دوره تجمع اعتراضی برای وصول مطالبات و بهرغم دادن وعده از سوی مسئولان، هنوز مشکلات آنان به‌جای خود باقی است. این کارگران به تبعیض و نابرابر در پرداخت دستمزد و حقوق و مزایای خود و پاداش‌های اندکی که به آنها پرداخت می‌شود و مشکلات معیشتی بسیاری که گریبان‌گیرشان است اعتراض دارند. این کارگران همچنین به خلف وعده‌ها معترض‌اند. در تجمع روز ۳۰ بهمن؛ کارفرما وعده تبدیل وضعیت شغلی آنان را داده بود؛ اما از آنجاکه هنوز اقدامی انجام نشده، کارگران به اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

خانواده‌های محکومین به اعدام

شمار قابل‌توجهی از خانواده‌های زندانیان جرایم عادی محکوم‌به‌اعدام مقابل زندان قزل‌حصار تجمع کردند و خواهان لغو احکام اعدام شدند. تعدادی از این زندانیان قرار بود صبح امروز هشتم اسفند حکمشان اجرا شود و خانواده‌ها برای آخرین دیدار به مقابل زندان آمده بودند. طبق گزارشات دست‌کم ۷ زندانی به اتهام جرایم مرتبط با "مواد مخدر" و "قتل" به سلول‌های انفرادی منتقل شده بودند که متأسفانه امروز حکم ۵ نفر از آنان اجرا شد و یک زندانی موفق به جلب رضایت شاکیان شده و از اعدام رهایی یافت. حکم اعدام یک زندانی دیگر نیز فعلاً متوقف شده است. اعدام قتل عمد دولتی است و امروز ابزار دست حکومت جنایت‌کار اسلامی برای ایجاد رعب و عقب‌زدن جامعه‌ای است که به اشکال مختلف ادامه انقلاب و سرنگونی حکومت را فریاد می‌زند. در برابر ماشین سرکوب و جنایات حکومت جنبشی، قدرتمند علیه اعدام شکل گرفته که بعدی جهانی دارد. جنبشی، که خواستار لغو مجازات اعدام تحت هر عنوان و جرمی است. جنبشی که خواستار توقف اعدام‌ها و لغو تمامی احکام اعدام است. وسیعاً به نجات انسان‌هایی بشتابیم که خطر اعدام تهدیدشان می‌کند و به جنبش جهانی نه به اعدام ببیونددیم. جنبش علیه اعدام گام مهمی برای پیشروی انقلاب جهت خلاصی از جهنم جمهوری اسلامی است. از این جنبش و سه‌شنبه‌های نه به اعدام حمایت

گذشته تجمع و راهپیمایی کردند و با شعار تجمع اعتراض حق مسلم ماست پیگیر مطالباتشان شدند.

در این روز کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان نیز در ادامه اعتراضاتشان با خواست اصلاح کف حقوقها، حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، خارج کردن فوق‌العاده‌های مناطق عملیاتی از سقف حقوق، پرداخت کامل پاداش سنوات خدمت به کارکنان بازنشسته دست به تجمع زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ اسفند ۱۴۰۳، ۲۵ فوریه ۲۰۲۵

ادامه تجمعات بازنشستگان نفت در اهواز و اخباری دیگر

امروز سه‌شنبه ۷ اسفندماه بازنشستگان نفت در اهواز در اعتراض به مشکلات معیشتی و دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی برای دومین روز تجمع کردند. این تجمع در برابر صندوق بازنشستگی کارکنان نفت برپا شد. بازنشستگان نفت در تجمعات خود حمایت همکاران شاغل را همراه دارند.

اصلاح اساس‌نامه صندوق، بررسی و شفاف‌سازی مطالبات بازنشستگان کد ۲۳ و پیگیری‌های لازم تا حصول نتیجه، وصول مطالبات بازنشستگان شرکت‌های واگذار شده توسط شرکت‌های مادر تخصصی، اجرای کامل قوانین مطالبات ایثارگران، بهبود خدمات بهداشتی و درمان و بازیابی تعرفه‌ها، اجرای قانون همسان‌سازی، اولویت به‌کارگیری فرزندان جویای کار بازنشستگان صنعت نفت در شرکت‌های متعلق به صندوق بازنشستگی و صنعت نفت، پرداخت عادلانه مبالغ سرانه باشگاه و ورزشی (رفع جنسیتی، مجرد و متأهل) و افزایش خدمات رفاهی ورزشی، پرداخت مبالغ اعیاد و مناسبت‌ها همانند (شاغلین و ادارات دیگر) طبق روال سال‌های قبل.

در این روز کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بار دیگر در اعتراض به وضعیت شغلی و پرداخت نشدن مطالبات خود تجمع کردند.

- امروز همچنین یازدهمین سه‌شنبه اعتراضی مردم در شهر اراک در اعتراض به آلودگی هوا و مازوت سوی نیروگاه سازند بود. مردم شعار می‌دادند: "مازوت‌سوزی جنایتی، سکوت ما خیانتی"

در این روز صبیادان جاسک نیز در استان هرمزگان به‌خاطر وضع بد معیشتی و افزایش قیمت سوخت سهمیه‌ای که مشکلات آنان را شدت می‌دهد، مقابل ساختمان دادگستری تجمع کردند.

و آخرین خبر اینکه امروز هفتم اسفندماه راننده‌های کامیون در سمنان در اعتراض به کرایه نازل و هزینه‌های سرسام‌آور و مشکلاتی که با باربری کله‌بار وابسته به صنایع مدلل که با بارنامه بزرگ مقیاس اعلام بار می‌کند با ماشین‌های خود و نصب بنر اعتراضی در مقابل استانداری تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ اسفند ۱۴۰۳، ۲۵ فوریه ۲۰۲۵

راهپیمایی متقاضیان مسکن در کرمان، اعتصاب در نیشکر هفت‌تپه و خبری دیگر

امروز چهارشنبه هشتم اسفندماه متقاضیان "مسکن ملی" علیه عملکرد مدیران فاسد که سال‌هاست پول آنان را گرفته و بالا کشیده‌اند و خانه‌ای تحویل نداده‌اند، دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. گردانندگان این پروژه غارتگرانه نه فقط مسکنی تحویل نداده‌اند؛ بلکه هنوز پول‌های بیشتری را از مردم طلب می‌کنند.

- طی دو روز ششم و هفتم اسفندماه کارگران شرکت هفت‌تپه به‌خاطر کم‌شدن سطح دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. کارگران اعلام

و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ اسفند ۱۴۰۳، ۲۶ فوریه ۲۰۲۵

اعتراضات متقاضیان مسکن ملی کاشان، کسبه بازار و دو خبر دیگر

امروز پنجشنبه نهم اسفندماه متقاضیان مسکن ملی کاشان در اعتراض به قیمت و شرایط واگذاری واحدهای مسکن ملی، دست به تجمع و اعتراض زدند. مسکن ملی یکی از کانون‌های بالا کشیدن پس اندازهای ناچیز مردم است که به امید صاحب مسکن شدن به این شرکت‌ها پول پرداخته‌اند و اکنون نه خبری از پول هست و نه از مسکن. هر روز شاهد اعتراضات متقاضیان مسکن ملی در شهرهای مختلف هستیم.

- بنا به یک گزارش دیگر در پی اعتصابات و تجمعات کارگران پیمانکاری شرکت مخابرات ایران در اعتراض به تبعیض، عدم پرداخت سنوات و بیمه و دیگر معوقات، با تصمیم مدیران مناطق مخابراتی و موافقت مدیرعامل شرکت مخابرات، اختیار اخراج کارکنان معترض شرکتی و جایگزینی آنها با نیروهای جدید به مدیران مناطق داده شده است. این موضوع زحمه‌های اعتراضات گسترده در میان این کارگران را که اخیراً تجمعاتی سراسری داشتند، شدت داده است. کارگران شرکتی مخابرات بر تداوم متحدانه اعتراضاتشان تأکید دارند.

- و بالاخره اینکه روز گذشته هشتم اسفند مار کسبه بازار مولوی تهران و بازاریان و کسبه بازار مواد غذایی و خشکبار تهران در اعتراض به مشکلات معیشتی دست به تجمع و راهپیمایی زدند. بازار نبض اقتصاد جمهوری اسلامی است و به خاطر افت ارزش ریال و تحریم‌ها و وضعیت رکود و بحران اقتصادی، دارد از کار می‌افتد. عبور قیمت دلار از ۹۴ هزار تومان، خاموشی‌ها و قطعی برق، کاهش شدید و هر روزه قدرت خرید مردم و در یک کلام فلج اقتصادی حکومت بازار را به تلاطم جدی انداخته است. در این میان مافیای بازار و سرمایه‌داران متصل به حکومت بازار فروش و تهیه مواد از عمده‌فروشی‌ها به قیمت ارزان و در حجم کلان را به انحصار خود درآورده‌اند و این وضعیت ادامه کار کسبه خرد را با معضلات و مخاطرات جدی مواجه ساخته است. مجموعه این شرایط باعث شکل گرفتن زنجیره‌های اعتراضی در بازارها شده است. در این اعتراضات بازاریان با راهپیمایی در بازار شعار می‌دادند "بازاری باغیرت حمایت، حمایت".

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اسفند ۱۴۰۳، ۲۷ فوریه ۲۰۲۵

تجمع کارگران رسمی ورودی آزمون ۹۲ نفت و یک خبر دیگر

امروز چهارم اسفند کارگران رسمی ورودی آزمون سال ۹۲ نفت به خاطر مشکلات معیشتی و شغلی خود مقابل دفتر شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز تجمع کردند. طبق گزارشات منتشر شده آزمون ورودی در نفت در سال ۹۲ در زمان احمدی‌نژاد برگزار شد. در دوره روحانی متوقف ماند و روند استخدام این کارگران از سال ۹۳ تا سال ۹۵ به طول انجامید. از سال ۹۳ تغییراتی در مقررات استخدامی شرکت نفت روی داد و مدت زمان اشتغال پیمانی آنان از متوسط دو سال به پنج سال برای مقطع کاردانی تا ارشد افزایش پیدا کرد. بعلاوه اینکه تعدیل مدرک فقط یکبار و آن هم فقط یک مقطع قابل انجام شد. اما بازننگری‌ای در جدول استخدامی آنان صورت نگرفت. این تغییرات فشارهایی جدی را به وضعیت معیشت این کارگران وارد کرده و باعث شده است که حقوق پایه این استخدامی‌ها پایین‌تر از نیروهای پیمانکاری و مبلغی بین ۵ الی ۶ میلیون تومان و با احتساب بالاترین ضریب مناطق عملیاتی، حق شیفت، دوری از خانواده و غیره دریافتی آنان حداکثر به ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان آن‌هم در

جاهایی مانند اهواز و سکوه‌های نفتی برسد. امروز این کارگران در اعتراض به این مشکلات تجمع کرده و شعار می‌دادند "جدول بدو استخدام اصلاح باید گردد"، "مسکن نمیخواهیم، درمان باید کنید".

فشارهای معیشتی بخش‌های مختلف بازنشستگان حتی بخش‌های لشکری و ارتشی را نیز به اعتراض کشیده است. صبح این روز جمعی از بازنشستگان لشکری در اعتراض به عدم اجرای صحیح قانون همسان‌سازی حقوق‌ها و سونامی گرانی مقابل کانون بازنشستگی کل آجا ارتش تجمع کردند. به گفته این بازنشستگان عدم اجرای صحیح قانون همسان‌سازی سبب شده مبلغ اضافه شده به مستمری آنان بسیار ناچیز باشد. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای نرخ سبد معیشتی ۶۰ میلیونی بعلاوه درمان رایگان مطالبه همه بخش‌های بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ اسفند ۱۴۰۳، ۲۲ فوریه ۲۰۲۵

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۶ کارزار «نگذارید قلبشان از تپش بازایستد»

زندانیان در سه‌شنبه‌های نه به اعدام به «قتل سیستماتیک» زندانیان اعتراض کردند!

همه ما طی یک ماه گذشته این اخبار را شنیده‌ایم:

زندانیان در "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در پنجاه و هفتمین هفته و در ۳۷ زندان، به عدم دارو و درمان زندانیان اعتراض کردند و نوشتند: «کشتار زندانیان صرفاً از طریق اعدام صورت نمی‌گیرد؛ متأسفانه در هفته گذشته، سه تن از زندانیان در زندان‌های ارومیه، لاجوردی ایرانشهر و دهدشت بر اثر نبود رسیدگی‌های پزشکی جان باختند. این وضعیت، جان بسیاری از زندانیان دیگر را نیز تهدید می‌کند. مرگ زندانیان بیمار به دلیل عدم رسیدگی پزشکی به‌موقع، چیزی جز «قتل سیستماتیک» نیست.»

از اقدام به خودکشی. محمدامین اخلاقی، از زندانیان پرونده بسیجی روح‌الله عجمیان و اینکه متحجرانه و وحشیانه پس از اقدام به خودکشی. او را به تخت بسته‌اند و دادخواهی برادرش که قوه قضائیه را مسئول حفظ جان او و هر اتفاقی که برایش رخ بدهد، باخبر شدیم.

از وخامت حال ابراهیم محمدی، زندانی سیاسی در بیست و چهارمین روز اعتصاب غذای خود در اعتراض به حکم خود و فشارها و تهدیدات خانواده‌اش و انتقال او به بهداری زندان سنندج، شنیده‌ایم. از نگرانی‌ها در باره وضعیت جسمانی فاطمه سپهری و عدم رسیدگی و درمان ویژه و پیام نرگس محمدی در باره وی و سایر زندانیان سیاسی و عقیدتی به‌ویژه زندانیان بیماری که نیاز به معالجه و درمان دارند و ممانعت عامدانه مسئولان زندان و قضایی در فراهم کردن امکان درمان فاطمه سپهری را شنیده‌ایم.

از دو بار خودکشی ناهید شیر پیشه، معلم زندانی و مادر دادخواه پویا بختیاری، مطلع شدیم. از اینکه پس از اقدام به خودکشی. به انفرادی بدون امکان درمان ویژه انتقال یافت که اقدام به خودکشی برای بار دوم را به دنبال داشت، باخبر شدیم.

از حسین خاتمی، زندانی سیاسی دهه شصت که در ۴ بهمن، در تهران دستگیر شد، شنیده‌ایم.

حسین خاتمی بیش از هفتاد سال دارد و به دیابت و بیماری قلبی مبتلا است و بایستی ضمن مصرف مرتب داروهای که برای وی تجویز شده است، تحت مراقبت پیوسته پزشک مربوطه باشد. مقامات رژیم تاکنون از تحویل داروهای وی از خانواده و تحویل به حسین خاتمی ممانعت به عمل آورده‌اند.

شرایط بازجویی و ادامه بازداشت وی، جان او را به خطر انداخته است. نامه مهناز طراح، فعال سیاسی در بند زنان زندان اوین که از زندانیان بیمار، عدم اعزام درمانی و مرخصی. و شرایط بسیار دهشتناک زندانیان بیمار

اشاره به «سیاست سیستماتیک» رژیم برای حذف زندانی دارد. شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی قصد دارد علیه این «اعدام خاموش» در کارزار «نگذارید قلبشان از تپش بازایستد» با مستندسازی در افشای این جنایات، صدای زندانیان بیمار و خانواده‌هایشان باشد.

همه شما می‌توانید با فرستادن گزارشات زندانیان بیمار برای ما، نوشتن نامه‌های اعتراضی و برپایی تجمع و اعتراضات خیابانی، در افشای این جنایت رژیم کمک کنید.

شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران
۲۶ فوریه ۲۰۲۵، ۸ اسفند ۱۴۰۳

شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران
Global Network to Free Political Prisoners in Iran



@iranglobalnetworkfpp
IranGlobalNetworkfpp@gmail.com

+447572356661
+31622029312
+43 650 3407007

راه های تماس:

نوشت را خوانده‌ایم. وی نوشت: «ما را قضاوت می‌کنید و نمی‌دانید پیش از شما توسط قضاوت جمهوری اسلامی همین‌طور ناعادلانه قضاوت شده‌ایم. ما می‌رقصیم، ما در زندان می‌خوانیم و می‌رقصیم؛ ولی در همان زندان که شما هتل می‌خوانید دل‌تنگی عزیزانمان را تاب می‌آوریم، بیمار از بیمار پرستاری می‌کند و برای یک اعزام درمانی، و نه حتی مرخصی. درمانی، باید ماه‌ها دوندگی کنیم.»

از پی‌گیری از افشین حسین‌پناهی، برادر جان‌باخته راه آزادی، رامین حسین‌پناهی، پس از مدت‌های طولانی دستگیری و بیماری فرزندش که قرار بود همراه پدر راهی بیمارستان شود تا تحت عمل جراحی قرار بگیرد، باخبر شدیم.

هفته گذشته شاهد مرگ اریز ابراهیم‌زاده فرزند عیسی. ابراهیم‌زاده، زندانی سیاسی، به دنبال عدم حضور پدر جهت پیگیری درمان و محروم ماندن این کودک خردسال از دارو و درمان مناسب بودیم.

از معصومه عسگری، زندانی سیاسی که با وجود وضعیت روحی نامناسب و مدارک پزشکی ارائه شده که نشان از اختلال دوقطبی و عدم ثبات روانی او دارد، حکم حبس برای او صادر شده، شنیدیم.

از افزایش نگرانی پیرامون سلامت ارغوان فلاحی که برای گرفتن اعترافات اجباری تحت فشار و شکنجه است، باخبر شدیم. بازداشت دوباره گلاره عباسی که از بیماری قلبی رنج می‌برد همراه با خشونت و شکنجه نگار دباغی، کودک هفده‌ساله و بستری کردن او به دنبال سیاست «روان‌پریش کردن زندانی» و «حذف فیزیکی» در بیمارستان روانی، شنیده‌ایم. از پریش مسلمی، زندانی سیاسی که از بیماری‌های متعدد رنج می‌برد و در اعتراض به عدم رسیدگی پزشکی خود دست به اعتصاب‌غذا زد و اعتصاب غذای حامد قره‌اغلو و اعتراض مادرش مبین بر بیمار بودن فرزندش، شنیده‌ایم.

همه اخبار بالا مربوط به تنها کمتر از یک ماه گذشته است. اخباری که

علیه قطع برق همه‌جا دست به اعتراض بزنیم!

رژیم در اوج درماندگی قرار گرفته است. ستون‌های حکومت یکی پس از دیگری فروریخته و ته دل همه مقامات کاملاً خالی شده است. وقت آن است که صفوفمان را متحدتر کنیم و به هر شکلی که می‌توانیم حکومت را همه‌جانبه زیر ضرب قرار دهیم. حکومت توان رویارویی همه‌جانبه با مردم متحد را ندارد، صفوفش کاملاً به‌هم ریخته و نیروهای سرکوبش نه روحیه سابق را دارند و نه توان مقابله گسترده با مردم. هم اکنون در برخی شهرها و شهرک‌ها تجمعات اعتراضی و شعاردهی علیه قطع برق شروع شده است. این اعتراضات را گسترش دهیم و از پرداخت قبض‌های آب و برق و گاز خودداری کنیم. اینها اشکالی عملی از مبارزه توده‌ای برای متحدشدن و فلج کردن حکومت است. در هر شهر و محله‌ای متحدانه دست به اعتراض بزنیم و تصمیم بگیریم که هیچ قبضی را نپردازیم. این کار ضربه اقتصادی قابل توجهی به دزدان حاکم و کاهش فشار هر چند اندکی بر زندگی ما مردم است. حکومتی که جریان برق و گاز و آب مردم را نمی‌تواند تضمین کند جایش در زباله‌دان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۳، ۲۰ دسامبر ۲۰۲۴

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۴۰۳ اسفند ۱۰

جمعه ۱۰ اسفند

- طبق گزارشات منتشر شده، کارگران شاغل در بخش‌های مختلف اداره آب و فاضلاب اندیمشک در استان خوزستان دست کم چهار ماه دستمزد و سایر مزایای مزدی خود را از کارفرمای خود طلبکارند. این کارگران، دست کم چهار ماه مزد طلب دارند. در عین حال، عیدی سال جاری آنها نیز هنوز پرداخت نشده است. کارگران خواستار پرداخت فوری طلب‌ها و عیدی آخر سال خود هستند.

پنجشنبه ۹ اسفند

- جمعی از کارگران بازنشسته اهواز و معلمان با فرزانه زیلابی و وکیل محبوب و دلسوز کارگران و زحمت‌کشان به مناسبت روز وکیل دیدار کردند و به تلاش‌های پی‌در پی او در دفاع از حقوق کارگران و مردم معترض ارج گذاشتند.

چهارشنبه ۸ اسفند

- طی دو روز، ششم و هفتم اسفندماه کارگران شرکت هفت‌تپه به خاطر کم‌شدن سطح دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. کارگران اعلام کرده‌اند که تا وقتی این مشکل رفع نشود به اعتراض خود ادامه می‌دهند. حقوق‌های نازل و دزدی‌ها و چپاولگری‌ها همچنان موضوعات اعتراض کارگران نیشکر هفت‌تپه است.

- ایوب غیبی‌پور حاجیور، شهروند ساکن اهواز، از شانزدهم دی‌ماه بلا تکلیف در زندان شیبان اهواز به سر می‌برد و با وجود پیگیری‌های خانواده و وکیل مدافع وی از مراجع قضایی، همچنان با آزادی او به قید وثیقه مخالفت شده است. او اواخر سال گذشته، از بابت اتهامات "احراق عمدی و تخریب اموال عمومی و تبلیغ علیه نظام" توسط دادگاه انقلاب اهواز به حبس نفی بلد، (تبعید) به زندان کرمان محکوم شده بود. این حکم نهایتاً توسط شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور نقض و جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض، ارجاع داده شد. مجدداً دادگاه انقلاب اهواز ایوب غیبی‌پور را بابت اتهام "محاربه به ۱۰ سال حبس و نفی بلد (تبعید) به زندان کرمان و بابت اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس محکوم کرد. یکی از مصادیق اتهام مطروحه علیه او، "آتش زدن مجسمه قاسم سلیمانی" عنوان شده بود. ایوب غیبی‌پور تاکنون ابلاغیه‌ای در رابطه با اجرای این حکم دریافت نکرده است. سرانجام در اواخر مهرماه سال جاری پس از ثبت درخواست فرجام‌خواهی ایوب غیبی‌پور حاجیور، میزان محکومیت وی، توسط دیوان عالی کشور تأیید شد.

زندانی سیاسی ایوب غیبی‌پور حاجیور، متولد دهم بهمن ۱۳۷۳، پیش‌از این نیز سابقه بازداشت و تحمل حبس را داشته است. او در آبان ۱۴۰۱ در جریان انقلاب زن زندگی آزادی توسط نیروهای امنیتی در اهواز بازداشت و به زندان شیبان این شهر منتقل و در تاریخ ۲۴ بهمن سال گذشته با تودیع وثیقه سه میلیاردی از این زندان آزاد شد. ایوب غیبی‌پور باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- کارگران پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر در ادامه تجمع اعتراضی روز گذشته خود با خواست استخدام در شرکت در محوطه شرکت به اعتراض خود ادامه دادند. این کارگران به خلف وعده‌ها، به تبعیض و نابرابری در پرداخت دستمزد و حقوق و مزایای خود، به پاداش‌های اندک و مشکلات معیشتی بسیاری که گریبان‌گیرشان است اعتراض دارند.

سه‌شنبه ۷ اسفند

- امروز سه‌شنبه هفتم اسفندماه، بازنشستگان نفت در اهواز در اعتراض به مشکلات معیشتی و دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی برای دومین روز در برابر شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب تجمع کردند. بازنشستگان نفت در تجمعات خود حمایت همکاران شاغل را همراه دارند. اهم مطالبات بازنشستگان نفت عبارت‌اند از:

- پرستاران و کارکنان اداری و خدماتی بیمارستان آریا در اهواز در اعتراض به کاهش حقوق ماهیانه و پی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان برای دومین روز دست به اعتصاب و تجمع زدند.

دوشنبه ۶ اسفند

- بازنشستگان مخابرات در ادامه مبارزاتشان و در اعتراض به فقر و تبعیض و پی حقوقی و چپاولگری‌های حاکم در اهواز تجمع و راهپیمایی کردند. بازنشستگان مخابرات با شعاردهی علیه سهام‌داران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی و تعاون سپاه، بساط چپاول و غارت حاکم را به چالش می‌کشند.

- پرستاران و کارکنان اداری و خدماتی بیمارستان آریا در اهواز در اعتراض به کاهش حقوق ماهیانه و پی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان دست از کار کشیده و تجمع کردند. طبق خبر، مسئولان بیمارستان بخشی از حقوق پرداختی را کاهش داده‌اند تا از آن برای پرداخت عیدی استفاده کنند و قرار است در سال جدید، حقوق‌ها مجدداً به میزان قبلی بازگردد. افزایش حقوقها مطابق با صعود نجومی نرخ دلار خواست اعلام شده پرستاران است.

یکشنبه ۵ اسفند

- بازنشستگان تأمین اجتماعی همانند دیگر یکشنبه‌ها در اعتراض به سونامی گرانی و اختلاس و سرکوب و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در شهرهای شوش، اهواز و شوشتر تجمع کردند.

- بازنشستگان فولاد مثل هفته‌های گذشته در اهواز تجمع داشتند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"،

- فرامرز سه‌دهی، شاعر خوزستانی و عضو کانون نویسندگان ایران، به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "توهین به رهبری و اهانت به مقدسات" به داسرای انقلاب بهبهان احضار و پس از بازپرسی با تودیع وثیقه ۸۰۰ میلیون تومانی به طور موقت آزاد شد.

بابک امینی و ناصر رازلیقی، مدیران مسئول «بولتن نیوز» و روزنامه «راه مردم»، در پی شکایت بانک پاسارگاد به اتهام «افشای سند رسمی و خیلی محرمانه وزارت نفت» در دادگاه مطبوعات مجرم شناخته شدند.

- جاسم مقدم زندانی سیاسی، متولد ۱۳۷۴، از اهالی شهر فلاحیه و ساکن منطقه زویه شهر اهواز می‌باش. او در زندان شیبان (زندانی مرکزی) اهواز به سر می‌برد و علی‌رغم گذشت چهار ماه از اتمام دوران حبس دو ساله‌اش، بر اساس پرونده جدیدی همچنان در زندان به سر می‌برد. او در تاریخ ۲ خرداد سال گذشته، از بابت اتهام "محاربه" تفهیم شد.

شنبه ۴ اسفند

- کارگران رسمی ورودی آزمون سال ۹۲ نفت، به خاطر مشکلات معیشتی و شغلی خود مقابل دفتر شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز تجمع کردند.

احکام این زندانیان باید فوری لغو و همگی آنها بدون قیدوشرط آزاد شوند.
- سحرگاه روز دوشنبه ۶ اسفندماه، جنایت کاران جمهوری اسلامی یک زندانی بنام ابراهیم خوشه، را در زندان سپیدار اهواز به دار آویختند. مرگ بر حکومت اعدام و کشتار.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۰ اسفند ۱۴۰۳، ۲۸ فوریه ۲۰۲۵



اخبار خوزستان

- محمد عموری، شهروند بازداشتی که به صورت بلا تکلیف در زندان شیپان اهواز به سر می برد، علی رغم وضع نامساعد جسمانی از رسیدگی مناسب پزشکی و اعزام به مراکز درمانی خارج از زندان محروم مانده است. محمد عموری از بیماری های کلبوی رنج می برد و علی رغم گذشت ۴۶ روز از زمان بازداشتش، کماکان به صورت بلا تکلیف در زندان به سر می برد.

جمعه ۳ اسفند

- خبرها از سونامی بیکاری حکایت می کند. قطعی متناوب برق، موجب اختلال تولید در شهرک های صنعتی و موج جدیدی از بیکارسازی شده است. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی سایت دولتی تجارت نیوز بیکاری در خوزستان بیداد می کند و بیکاری زنان در این استان بالاترین نرخ را در کل کشور دارد. تمامی افراد کم درآمد و یا بدون در آمد و افراد بدون اشتغال و در آمد باید از مستمری پایه ای ماهانه در حد کفاف یک زندگی شایسته برخوردار باشند. بیمه بیکاری مکفی و متناسب با رشد نجومی قیمت دلار حق همه زنان و مردان بیکار است.

- ۱۳۰ روز است که از وضعیت ۴ زندانی سیاسی، علی مجدم، معین خنفری، محمدرضا مقدم و عنان غبیشاوی محکوم به اعدام خبری نیست. این چهار زندانی سیاسی روز ۲۴ مهر از زندان شیپان اهواز به سلول های انفرادی زندان سپیدار منتقل شدند. روز ۳ آبان خانواده های آنان برای دیدار فرزندان شان به زندان سپیدار اهواز مراجعه کردند. اما مسئولان زندان اعلام کردند که آنها از زندان سپیدار به زندان شیپان اهواز منتقل شده اند و پس از مراجعه به زندان شیپان، مقامات زندان از حضور آنها در این زندان اظهار بی اطلاعی کردند. بدین ترتیب از زمان انتقال این چهار زندانی سیاسی به زندان سپیدار اهواز تاکنون هیچ اطلاعی از آنها در دست نیست. این وضعیت موجب نگرانی خانواده و همگان شده است.

کل هزینه ماشین دولتی و ارتش و سیستم اداری بورژوازی، کل هزینه نهادهای ایدئولوژیکی و فرهنگی جامعه بورژوازی و خرج خیل عظیم کسانی که از طریق این نهادها قدرت بورژوازی را حفظ و حراست می کنند، از همین منبع (یعنی با کار کارگر) تأمین می شود. طبقه کارگر با کار خود خرج طبقه حاکمه، خرج انباشت روزافزون سرمایه و هزینه سلطه سیاسی و فرهنگی و فکری بورژوازی بر خود و بر کل جامعه را می پردازد.

(از برنامه یک دنیای بهتر)

گسترده از قبل پیا می خیزیم! دست به دست هم می دهیم! ماشین اعدام را در هم می کویم و عزیزانمان را آزاد می کنیم و بر سر دست بلند می کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



در همه‌جا سیستم سرمایه‌داری سیستم فقیر سازی مداوم کارگران است. کارگر در سیستم سرمایه‌داری مدام فقیرتر می‌شود. کارگر با کارش حداکثر هزینه زنده‌ماندنش را تأمین می‌کند. این یک حقیقت و یک واقعیت بسیار جدی در نظام سرمایه‌داری است که در سراسر جهان امروز قابل مشاهده است. رشد عظیم و باورنکردنی تکنولوژی و باور آوری کار که نسبت به قبل صدها برابر افزایش یافته یک‌ذره به بالا رفتن سهم کارگر از تولید نینجامیده است. مزد کارگر همه‌جا همچنان حداکثر در حدی است که کفاف زنده‌ماندن او و خانواده‌اش را می‌دهد. ساعات کارگران علی‌رغم جدال‌های بسیار همچنان عملاً بالاست. کارگران ظاهراً در اکثر کشورها هشت ساعت کار می‌کنند. این هم با جنگ و جدل‌های بسیار به صورت قانون در آمده. اما عملاً حتی در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری کارگران برای اینکه کمی بهتر از حد بخورونمیر سهم ببرند مجبورند ده ساعت و دوازده ساعت و بیشتر در روز کار کنند. اضافه کاری جزء جدایی‌ناپذیری از سیستم کار کارگران است.
(سرمایه داری را بشناسیم، کاظم نیکخواه)

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید